

صورت جریانهای نقدی

چه اندازه

سودمند است؟

ترجمه: عبدالرضا تالانه مجید میراسکندری

Management Accounting, July 1992, pp. 52 - 55.

این نوشتار برگردان مقاله‌ای پژوهشی است که در سال ۱۹۹۱ نوشته شده و نقش و کاربرد صورت جریانهای نقدی موضوع بیانیه حسابداری مالی شماره ۹۵ را بررسی کرده است. مؤلفان در این پژوهش کوشیده‌اند تا از روش شناسی ساده‌ای بهره گیرند. افزون بر این یافته‌های خود را با نتایج پژوهشی که یکی از مؤلفان در سال ۱۹۷۳ قبل از انتشار بیانیه یاد شده در زمینه‌ای همانند انجام داده است مقایسه کرده و نتایج درخور توجهی فراهم آورده‌اند.

فراهم آوردن نقش و کاربرد اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی برای پیشبینی عملکرد آینده مؤسسه‌های اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. اگر چه وضع وخیم نقدینگی شرکت گرانیت باید هشدار لازم را به سهامداران می‌داد، اما خبر ورشکستگی شرکت هنگامی به سهامداران رسید که دیگر برای تصمیمگیری بسیار دیر شده بود. زیرا سهامداران سود سهام گزارش شده را بی‌قید و شرط پذیرفته بودند در حالی که در بررسی جریانهای نقدی در زمان مناسب کوتاهی کرده بودند.

طی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۳ شرکت دبیو.تی. گرانیت^۱ که بعدها ورشکسته شد، هر سال سود خالصی بیش از ۴۰ میلیون دلار گزارش می‌کرد. در حالی که در همان سالها جریان نقدی حاصل از فعالیتهای شرکت همواره کاهش می‌یافت؛ به طوری که خالص وجه نقد خروجی این شرکت در سال ۱۹۷۳ بیش از ۹۰ میلیون دلار بود.^۲ بررسی علت ورشکستگی شرکت یاد شده تجربه‌ای را

توجه جدی هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۳ به صورت جریانهای نقدی^۴

بعد از ورشکسته شدن شرکت نامبرده در بالا، بحث و واژینی در مورد استفاده از صورت جریانهای

* Marc J. Epstein and Moses L. Pava

1. W. T. Grant

2. James Largay and Clyde Stickney, «Cash Flows, Ratio Analysis and the W. T. Grant Company Bankruptcy», «Financial Analysis Journal, July - August 1980, pp. 51 - 56

نقدی برای سنجش عملکرد شرکت بالا گرفت. هیئت استانداردهای حسابداری مالی با انتشار بیانیه مفهومی حسابداری مالی^۵ شماره ۵ و بیانیه حسابداری مالی^۶ شماره ۹۵، بر مفید بودن اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی تأکید کرد و بر اساس بیانیه دیگری از شرکتهای خواست که «صورت جریانهای نقدی» تهیه کنند. این خواست در برابر نظرگاه^۷ شماره ۱۹ هیئت اصول حسابداری^۸ که از شرکتهای می‌خواست «صورت تغییرات در وضعیت مالی»^۹ تهیه کنند، قرار گرفت. چه شرکتهای در اجرای نظرگاه یاد شده به جای ارائه وضعیت جریانهای نقدی، تغییرات سرمایه در گردش را گزارش می‌کردند و به وضعیت جریانهای نقدی توجه چندانی نداشتند، در حالی که به نظر هیئت استانداردهای حسابداری مالی اطلاعات مندرج در صورت جریانهای نقدی امکان ارزیابیهای زیروا برای سرمایه‌گذاران و افراد ذینفع فراهم می‌آورد:

3. Financial Accounting Standards Board (FASB)

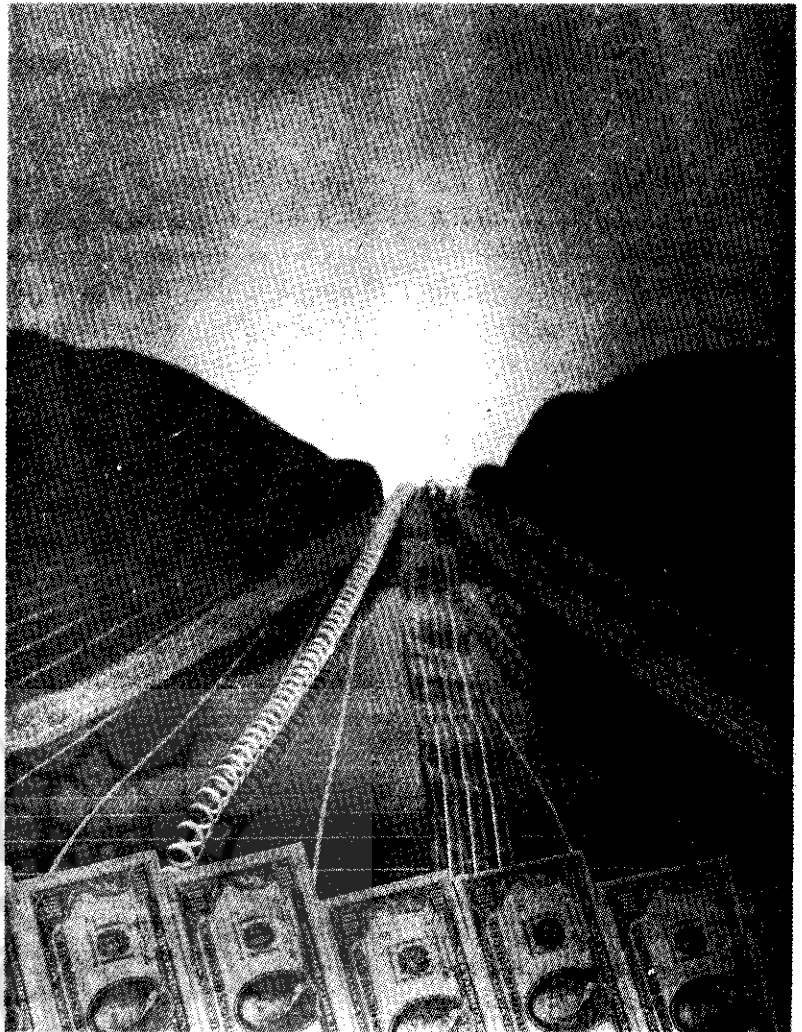
4. Statement of Cash Flows

5. Statement of Financial Accounting Concepts (SFAC)

6. Financial Accounting Statement (FAS)

7. Opinion 8. Accounting Principles Board (APB)

9. Statement of Changes in Financial Position



صورت جریانهای نقدی را برای آنان آشکار کند. یافته های این پژوهش که با یافته های پژوهش سال ۱۹۷۳ مقایسه شد، نخستین دستاورد تجربی در این زمینه به شمار می رود.

کار پژوهش را با ارسال ۲۳۵۹ پرسشنامه برای سهامداران تمامی ۵۰ ایالت کشور که دست کم یکصد سهم از یکی از سهامهای بورس اوراق بهادار نیویورک^{۱۰} یا بورس اوراق بهادار آمریکا^{۱۱} را در اختیار داشتند، آغاز کردیم، و در کل ۲۴۶ پرسشنامه تکمیل شده دریافت داشتیم که یافته هایی که در این نوشته ارائه می شود، از تحلیل اطلاعات پرسشنامه های تکمیل شده به دست آمده است. پرسشهای پرسشنامه ارسال هم مانند پرسشهای پژوهشی بود که در سال ۱۹۷۳ به وسیله اپستین انجام شده بود^{۱۲}.

مقایسه یافته های این پژوهش با پژوهش سال ۱۹۷۳ مقایسه نظر سرمایه گذاران را در قیل و بعد از انتشار بیانیه حسابداری مالی شماره ۹۵ امکانپذیر کرد.

آیا سهامداران صورت جریانهای نقدی را می خوانند؟ برای جواب دادن به این سؤال تعداد خوانندگان صورت جریانهای نقدی را با تعداد خوانندگان ترازنامه و صورت سود زیان مقایسه کردیم. در جدول شماره ۱ نتایج پاسخ به این سؤال در تحقیق فعلی (۱۹۹۱) و تحقیق قبلی (۱۹۷۳) ارائه شده است:

جدول ۱ تعداد خوانندگان صورت های مالی

درصد پاسخ دهندگانی که می خوانند		
۱۹۷۳	۱۹۹۱	
۶۰/۵	۷۱/۸	صورت حساب سودزیان
۵۹/۵	۵۵/۳	ترازنامه
۵۱/۸	—	صورت جریانهای نقدی
—	۴۵/۹	صورت تغییرات در وضعیت مالی

ورق بزنید

10. New York Stock Exchange
11. American Stock Exchange
12. Marc J. Epstein, «The Usefulness of Annual Reports to Corporate

آینده نظر داشته باشند، تا آنکه به دادن تصویری از موقعیتی خاص بسنده کنند، و این کار از اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی برمی آید و تجربه تهیه و تنظیم محتوا و شکل صورتهای مالی متناسب با درک عموم استفاده کنندگان، دستیابی به آن را امکانپذیر می کند.

در گذشته شواهد درخور توجهی برای مفید بودن صورت جریانهای نقدی در دست نبود و اطلاعات در این باره بیشتر از مطالعه هایی که بر پایه روش شناسی بررسی بازار سرمایه انجام گرفته بود، به دست می آمد. و پژوهشگران از این راه نمی توانستند ارتباط بین قیمت سهام و جریانهای نقدی را آشکار کنند. از این روزه ارائه هرگونه گزاره ای در نشان دادن سودمندیهای اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی خودداری می کردند؛ در حالی که پژوهش ما در زمینه استفاده سهامداران عادی از اطلاعات یاد شده توانست مفید بودن

— ارزیابی توانایی فراهم آوردن جریان نقدی مثبت در آینده

— ارزیابی توانایی ابضای تعهدات، پرداخت سود سهام و تأمین مالی مؤسسه از خارج مؤسسه.

— ارزیابی اثرات نقدی و غیرنقدی فعالیتهای سرمایه گذاری و فعالیتهای تأمین مالی بروضعیت مالی مؤسسه اقتصادی در طی دوره مالی.

آیا انتظاراتهای زیاد هیئت استانداردهای حسابداری مالی توجیه پذیر است؟ سرمایه گذاران تا چه اندازه به اطلاعات مندرج در صورت جریانهای نقدی توجه نشان می دهند، درک می کنند و آنها را مورد استفاده قرار می دهند؟ پرسشهایی که پاسخ آنها می تواند نکته های مهمی برای وضع کنندگان مقررات و استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری مالی دربر داشته باشد.

مدیران، مسئول ارائه اطلاعات مفید به ذینفعان و بویژه سهامداران می باشند. آنها در تهیه گزارشهای سالانه باید بیشتر به ارائه گونه ای چشم انداز برای

ارقام جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که اکثریت سرمایه‌گذاران (۵۱/۸ درصد) صورت جریانهای نقدی را می‌خوانند. اگرچه سرمایه‌گذاران ترازنامه و صورتحساب سودزبان را بیش از صورت جریانهای نقدی می‌خوانند، اما روشن است که در مقایسه با تحقیق قبلی (۴۵/۹ درصد) وقت بیشتری را صرف خواندن صورت جریانهای نقدی می‌کنند. دقت کنید که درحالی که تعداد خوانندگان صورت جریانهای نقدی افزایش یافته، تعداد خوانندگان صورتحساب سودزبان حدود ۱۱ درصد کاهش یافته است. حقیقتی که از این تحقیق به دست می‌آید این است که سرمایه‌گذاران بر صورت جریانهای نقدی بیشتر تاکید می‌کنند.

جدول شماره ۲، نتایج سنجش توانایی سرمایه‌گذاران در فهم صورت جریانهای نقدی را نشان می‌دهد:

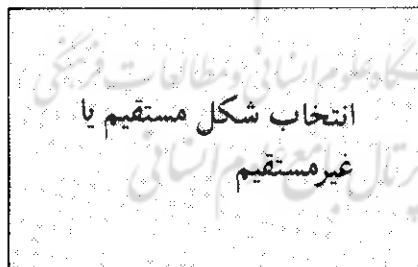
جدول شماره ۲ - اشکال در فهم صورت جریانهای نقدی

درصد پاسخ‌دهندگان که در فهم اشکال داشتند		
۱۹۹۱	۱۹۷۳	
۱۵/۷	۱۴/۶	صورتحساب سودزبان
۲۸/۱	۳۲/۲	ترازنامه
۲۸/۵	-	صورت جریانهای نقدی
-	۴۱/۷	صورت تغییرات در وضعیت مالی

براساس ارقام این جدول، ۷۱ درصد از سرمایه‌گذاران در فهم صورت جریانهای نقدی مشکل نداشته‌اند. مهمتر اینکه هرچند فهم صورت جریانهای نقدی قدری دشوارتر از ترازنامه و به میزان زیادی دشوارتر از صورت سودزبان اعلام شده است، اما با مقایسه نتایج دو تحقیق روشن می‌شود که اشکال در فهم صورت جریانهای نقدی در مقایسه با صورت تغییرات به میزان چشمگیری

(۱۳/۲ درصد) کاهش یافته است. مقایسه نتایج صورتحساب سودزبان در دو تحقیق نشان می‌دهد که اشکال در فهم صورتحساب سودزبان تغییر چندانی نداشته است، اما مقایسه نتایج صورت جریانهای نقدی در سال ۱۹۹۱ و سال ۱۹۷۳ نشان می‌دهد که اشکال در فهم صورت جریانهای نقدی به مقدار زیادی کاهش یافته است. درک صورت جریانهای نقدی در مقایسه با سلف خود، صورت تغییرات بسیار ساده‌تر است.

تا اینجا جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که اکثریت سرمایه‌گذاران صورت جریانهای نقدی را می‌خوانند و جدول ۲ نشان می‌دهد که اکثریت سرمایه‌گذاران آنرا می‌فهمند. اما این نتایج لزوماً به معنای برآورده شدن تمام نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان نیست. برای مثال در پاسخ سؤال: در مورد کدامیک از صورتهای مالی مایل به دیدن توضیحات اضافی هستید؟ بیش از ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به صورت جریانهای نقدی اشاره کرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که با آنکه در طی دو دهه صورتحساب مزبور بهبود یافته، اما هنوز اقلیت چشمگیری از سرمایه‌گذاران در فهم آن مشکل دارند و معتقدند که توضیحات بیشتر در این زمینه ایشان را در تصمیمگیری، بهتریاری خواهد کرد.



یکی از جنبه‌های بحث‌انگیز باینه استاندارد ۹۵، تصمیمگیری در مورد مخیر گذاشتن شرکتها در استفاده از روش مستقیم یا غیرمستقیم برای تطبیق سود خالص با جریانهای نقدی حاصل از عملیات بود. اگرچه هیئت استانداردهای حسابداری مالی استفاده از شکل مستقیم را توصیه کرده بود، اما دریافت که شرکتها باید ابتدا فرصت فراگیری و تجربه کردن شکل غیرمستقیم را داشته باشند. با این حال هیئت تصور می‌کرد که شکل مستقیم متداول خواهد شد. چه روش غیرمستقیم استدلالی‌تر و مستلزم فهم بیشتری در مقایسه با روش مستقیم

است. در این روش شرکتها با سود خالص شروع کرده و تعدیلهای لازم برای رسیدن به جریانهای نقدی حاصل از عملیات را بر آن اعمال می‌کنند. برای مثال، هزینه استهلاک به سود خالص اضافه می‌شود و افزایش در حسابهای دریافتی از آن کسر می‌شود. اما در روش مستقیم برای هر یک از منابع و مصارف وجه نقد، یک سطر جداگانه نوشته می‌شود و مبلغ دقیق وصولی از مشتریان، پرداخت به فروشندگان و غیره جداگانه گزارش می‌شود. تفسیر و تعبیر تعدیلهای سود در روش غیرمستقیم بسیار دشوارتر از تفسیر ارقام ارائه شده در روش مستقیم است.

در تحقیقات اخیر مشاهده شده است که از ۶۰۰ شرکت نمونه‌نما ۱۵ شرکت در تهیه صورت جریانهای نقدی از شکل مستقیم استفاده کرده‌اند و ۵۸۵ شرکت شکل غیرمستقیم را به کار گرفته‌اند^{۱۳}. با در نظر گرفتن اینکه اکثریت شرکتها از روش غیرمستقیم استفاده می‌کنند و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که درک و فهم روش غیرمستقیم مشکل است، جای تعجب نیست که هنوز بسیاری از سرمایه‌گذاران در فهم صورت جریانهای نقدی مشکل دارند. مدیرانی که خواهان گردآوری اطلاعات مفید و قابل فهم هستند باید از شکل مستقیم استفاده کنند. هزینه‌های این موضوع معمولاً ناچیز اما مزایای حاصل از تقویت صورتهای مالی از طریق انتشار صورت جریانهای نقدی جامع‌تر چشمگیر است.

سرمایه‌گذاران
صورت جریانهای
نقدی را به کار می‌برند.

مهمترین نتایج تحقیق حاضر در جدول شماره ۳ نشان داده شده است:

13. Accounting Trends and Techniques, AICPA, New York, N. Y., 1991.



جدول شماره ۳ - مفید بودن صورتهای مالی

درصد پاسخ دهندگانی که افلام زیر را مفید تشخیص داده‌اند.		
	۱۹۷۳	۱۹۹۱
صورت سودزبان	۶۳/۶	۵۷
ترازنامه	۵۱/۲	۵۷/۱
صورت جریانهای نقدی	-	۵۰/۲
صورت تغییرات در وضعیت مالی	۴۲/۱	-

از سرمایه گذاران خواسته شد تا صورت جریانهای نقدی را برحسب مفید بودن در تصمیمگیری درجه بندی کنند. همان طور که ارقام جدول ۳ نشان می دهد، اکثریت سرمایه گذاران (۵۰/۲ درصد) گفته اند که صورت جریانهای نقدی یکی از منابع مفید اطلاعات است. بازم صورت جریانهای نقدی به اندازه ترازنامه و صورتحساب سودزبان امتیاز کسب نکرده است. اما تعداد کسانی که این صورت را مفید تشخیص داده اند بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۱ بشدت افزایش یافته

سرمایه گذاران از اهمیت وجه نقد در تصمیمگیریهای سرمایه گذاری از گذشته بیشتر شده است. سرمایه گذاران مجدداً به وجه نقد روی آورده اند.

۳- بی اعتبار شدن سود. سرمایه گذاران می دانند که سود شاخص خوبی برای سنجش عملکرد شرکت نیست و به ارقام گزارش شده در صورت سود و زیان کمتر توجه می کنند.

سرمایه گذاران در حال حاضر بسیار آگاهتر از سال ۱۹۷۳ هستند و بنابراین جای شگفتی نیست اگر بر اساس طیف گسترده تری از اطلاعات تصمیمگیری کنند. بیشتر شدن آگاهی سرمایه گذاران از شقوق مختلف گزارشگری تحت اصول پذیرفته شده حسابداری باعث شده تا به ارقام سود خالص به عنوان مبنایی برای سنجش عملکرد شرکت تردید نشان دهند. اما در عوض صورت جریانهای نقدی از رویه های حسابداری تأثیر نمی پذیرد و ابزار آشکارتری را برای ارزیابی عملکرد شرکت فراهم می کند. با اینکه سرمایه گذاران امتیاز بیشتری در خصوص مفید بودن به سودزبان و ترازنامه نسبت داده اند، اما در سیدگی به جریانهای نقدی نیز دقت به کار برده اند. آنها به صورت جریانهای نقدی بیشتر توجه داشته اند تا به صورت تغییرات در وضعیت مالی.

بعد از سال ۱۹۷۳، مدیران، سرمایه گذاران و قانونگذاران از اهمیت جریانهای نقدی بیشتر آگاه شده اند. نتایج این تحقیق بروشنی نشان می دهد که صورت جریانهای نقدی واقعاً اطلاعات مفیدی را برای سرمایه گذاران فراهم کرده است. برای قبول این موضوع که اتکای سرمایه گذاران بر صورت جریانهای نقدی بیش از پیش ادامه خواهد یافت، همه شواهد لازم فراهم شده است.

با آشناتر شدن سرمایه گذاران با صورتهای مالی نسبتاً جدید، آنها قادر خواهند بود صورت جریانهای نقدی را بدون هیچ ابهامی بخوانند و در فهم آن کمتر دچار اشکال شوند. علاوه بر این تا هنگامی که هیئت استانداردهای حسابداری مالی به تدوین مدلهای حسابداری تعهدی ادامه می دهد و تا وقتی که این مدلهای بیش از پیش از چارچوب نقدی دور می شود، اهمیت مقایسه صورت سود و زیان با صورت جریانهای نقدی دائماً بیشتر می شود. به عبارت دیگر انتظار می رود با کاهش هزینه ها (برحسب زمان و انرژی لازم برای فهم صورتهای

است، درحالی که طی همان سالها اعتقاد به مفید بودن صورت سود و زیان تقریباً ۷ درصد کاهش نشان می دهد. شواهد نمی تواند گویاتر از این باشد. سرمایه گذاران صورت جریانهای نقدی را بیشتر و صورت سود و زیان را کمتر از گذشته به کار برده اند. اطلاعات جدول سوم به شکلی تردیدناپذیر بر اهمیت صورت جریانهای نقدی تأکید می کند. اگر چه نتایج صورت جریانهای نقدی از نتایج ترازنامه و سودزبان بهتر نبوده است، اما این موضوع عجیب نیست زیرا که صورت جریانهای نقدی از سال ۱۹۸۸ الزامی شده در صورتی که صورت سود و زیان و ترازنامه از گذشته رایج بوده و همه با آن آشنایی دارند.

این تحقیق آشکارا نشان می دهد که صورت جریانهای نقدی در سطحی گسترده خواننده می شود، براحتی درک می شود و از سلف خود صورت تغییرات در وضعیت مالی مفیدتر شده است. این حقیقت ناشی از سه عامل اولیه است:

- ۱- بیانیه استاندارد ۹۵. تغییر زیاد در شکل و محتوای صورت جریانهای نقدی امکان خواندن و فهم آن را برای سرمایه گذاران ساده تر کرده است. علاوه بر این قابلیت مقایسه بین شرکتها به میزان زیادی بهبود یافته است.
- ۲- آگاهی سرمایه گذاران. آگاهی

کتاب اصول حسابداری



آقای مصطفی علی مدد در حال دریافت لوح تقدیر از ریاست جمهوری اسلامی ایران

به گزارش مسئول برگزاری مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، در دهمین دوره انتخاب و معرفی کتاب سال تعداد ۲۹۵۴ عنوان کتابهای منتشر شده در سال ۱۳۷۰ مورد بررسی قرار گرفته که ۲۶ عنوان از آن میان به وسیله هیئت داوران ممتاز شناخته شده است.

در مراسمی که روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه، در دهه فجر ۱۳۷۱ در تالار وحدت با حضور رئیس جمهوری اسلامی ایران و وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش و گروهی از کارگزاران و استادان و صاحب نظران علمی و فرهنگی کشور برگزار شد کتابهای برگزیده سال ۱۳۷۰ معرفی شدند و با اعطای لوح تقدیر به پدیدآورندگان «کتاب سال» به وسیله آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری از آنان تقدیر به عمل آمد.

در این دوره کتاب دوجلدی اصول حسابداری تألیف مصطفی علی مدد و نظام الدین ملک آرایبی از انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی نیز ممتاز شناخته شد و در مراسم یادشده به عنوان کتاب برگزیده سال معرفی شد و از پدیدآورندگان آن قدردانی به عمل آمد. با آن که پدیدآورندگان کتاب برگزیده یادشده در نزد بیشتر اعضای حرفه شناخته شده اند، برای آگاهی بقیه باید گفت که آقایان مصطفی علی مدد و نظام الدین ملک آرایبی از استادان، پژوهشگران و صاحب نظران سختکوش و برجسته کشور در رشته حسابداری و از پایه گذاران مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی شمرده می شوند. هر دو سالهای درازی است که به کار تدریس و تألیف کتابهای حسابداری اشتغال دارند و بخش درخور توجه عمر خود را وقف توسعه و تکامل این رشته و کاربست آن کرده اند. آقای نظام الدین ملک آرایبی از نخستین سال تأسیس مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی ریاست این مرکز را به عهده داشته اند و در این راه از همکاری و یاریهای همیشگی آقای مصطفی علی مدد برخوردار بوده اند.

نکته درخور توجه این که نامبردگان در طول



آقای نظام الدین ملک آرابی در حال دریافت لوح تقدیر از ریاست جمهوری اسلامی ایران

سالهای دراز فعالیت خود تعداد چشمگیری کتاب به صورت مشترک پدید آورده‌اند که از آن میان، علاوه بر کتاب اصول حسابداری، می‌توان از کتابهای «حسابداری عالی - اشتباهات و اصلاحات» در سال ۱۳۵۳، «حسابداری پیمانکاری» سال ۱۳۶۳، «گزیده‌ای از قوانین و مقررات تجاری، مالی و عمومی برای مدیران و حسابداران» سال ۱۳۶۴، «حسابداری پیشرفته، دفتر اول - کالای امانی» سال ۱۳۶۸ و... یاد کرد. نامبرگان مقالات و آثار مشترک دیگری نیز دارند که از جمله می‌توان به پژوهش مشترک ارائه شده به اولین سمینار حسابداری ایران، اهواز، دانشگاه شهید چمران با عنوان «حسابداری و تحولات اقتصادی» و کارهای در دست انجام دیگر اشاره کرد. گفتنی است پدیدآورندگان کتاب اصول حسابداری آثار دیگری نیز به‌تنبهایی یا با همکاری دیگر پژوهشگران تألیف یا ترجمه کرده‌اند که هر یک در ادبیات حرفه ما از اعتبار درخور توجهی برخوردار است. اما شمار کارهای مشترک آقایان علی مدد و ملک آرابی چندان درخور توجه است که زمانی که پرسشگر نشریه حسابدار در جریان مصاحبه با آقای علی مدد از این همکاری به عنوان گونه‌ای تشکل یاد می‌کند و وصف چگونگی آن را از ایشان خواستار می‌شود، ایشان در پاسخ این همکاری را چنین توصیف می‌کنند: «همکاری ما خیلی جدی است. من اگر بخواهم خلاصه کنم، باید بگویم بدون علی مدد محتمل بود کتابهای حسابداری منتشر بشود، نه با کیفیت کنونی آن، هر چه هست، بلکه به طور کلی، بدون ملک آرابی حتماً این کتابها در نمی‌آمد. یعنی او جمع‌کننده کار است و بدون این تشکل لااقل من نمی‌توانستم کار چندان منتشر کنم.»

حسابدار ضمن ادای احترام به روشنی و ژرف‌نگری هیئت داوران دهمین دوره کتاب سال که یکی از بهترین آثار حسابداری ایران را به عنوان کتاب سال برگزیدند، احساس خرسندی عمیق همکاران نشریه حسابدار را به این مناسبت به مولفان کتاب اصول حسابداری تقدیم می‌کند.

فهرست اسامی حسابداران مستقل

(به ترتیب حروف الفبا) در تاریخ ۱۳۷۱/۱۱/۳۰

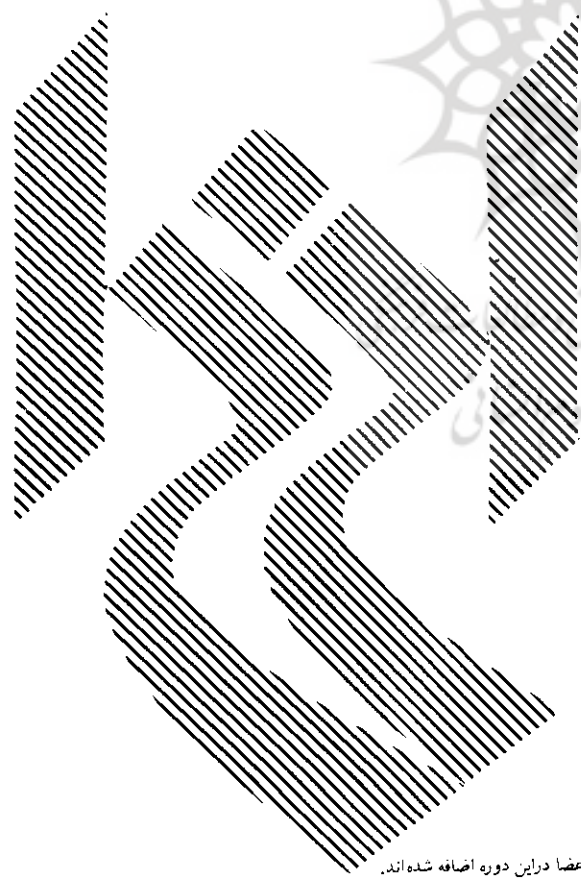
اشاره:

حسابداران مستقل آن گروه از
اعضای انجمن اند که براساس ضوابط
انجمن دارای تجربه و توانایی انجام
کار حسابرسی می باشند.

محل کار	نام خانوادگی تلفن	نام	ردیف
مؤسسه حسابرسی نوادیشان	۸۳۲۳۱۶	آنوس	۱ سورن
مؤسسه حسابرسی بهمند	۸۳۵۳۹۱	آتش	۲ رضا
مؤسسه حسابرسی پیش آگاه	۸۳۰۵۸۹	آوا کیانس	۳ پورو
سازمان حسابرسی	۸۸۲۹۱۶۲	ارجمندی	۴ حمیدرضا
مؤسسه حسابرسی بیداران	۸۵۱۲۰۱	اسرارحقیقی اسماعیل زاده	۵ عباس ۶ سیدعباس
مؤسسه حسابرسی ایران مشهود	۸۱۰۷۳۱۱	پاکداهن	۷ بهرام
-	۸۴۴۹۲۶	اطمینان	۸ پرویز
مؤسسه حسابرسی استاندارد کار	۶۸۵۸۳۶	افتخار جواهری	۹ یدالله
مؤسسه حسابرسی بیداران	۸۵۷۸۸۰	امیدواری	۱۰ فریبرز
مؤسسه حسابرسی رایمند	۸۹۹۷۱۸	امین	۱۱ میلان
مؤسسه حسابرسی دش وهمکاران	۹۳۱۲۵۱	ابوان کریمان	۱۲ سیدمحمد
مؤسسه حسابرسی شهرپور	۸۹۷۱۵۰	بزرگ زاده	۱۳ پناه
سازمان حسابرسی	۰۳۱-۲۲۷۵۷۶	بهنیا	۱۴ منوچهر
مؤسسه حسابرسی بیات وهمکاران	۸۳۷۹۲۷	بیات	۱۵ حمزه
سازمان حسابرسی	۸۳۷۹۳۷	پاک نیا	۱۶ مجتبی
مؤسسه حسابرسی پردازش	۸۳۶۵۱۶	جواهر نشان	۱۷ سیدمحسن
	۲۹۴۰۰۵	حجازی	۱۸ مرتضی
	۹۴۹۵۵۹	حجازی	۱۹ حسن
مؤسسه حسابرسی حیاط شاهی	۲۲۲۳۱۳۱	حیاط شاهی	۲۰ حسن
	۶۸۹۷۸۶	خدایی	۲۱ هوشنگ
سازمان حسابرسی	۸۹۱۰۹۱	خستویی	۲۲ حسین
۷۸۶۴۱۱۷	۸۶۴۱۱۷	خطیبیان	۲۳ داود
مؤسسه حسابرسی خیره	۸۹۲۳۱۶	خمارلو	۲۴ بهروز
مؤسسه حسابرسی دش وهمکاران	۹۳۱۲۵۱	دارش	۲۵ محمدنبی
مؤسسه حسابرسی همیز	۸۶۰۰۳۱۷	داهی	۲۶ اسبک
	۸۳۰۷۰۳	دراستیاناس	۲۷ عباسعلی
مؤسسه حسابرسی رایمند	۸۹۹۷۱۸	دهدشتی نژاد	۲۸ حسین
مؤسسه حسابرسی رضایی وهمکاران	۸۳۵۹۷۳	رضایی	۲۹ منوچهر
سازمان حسابرسی	۸۸۸۷۶۸۲	زندگی	۳۰ غلامرضا
مؤسسه حسابرسی سلامی وهمکاران	۶۵۶۹۸۳	سلامی	۳۱ سیاوش
مؤسسه حسابرسی خیره	۸۹۲۳۱۶	سهیلی	۳۲ سیدمهدی
مؤسسه حسابرسی طوس	۶۲۳۲۸۹	سیدمهدی	۳۳ علی
سازمان حسابرسی	۰۳۱-۲۷۶۴۸۶	شاه نظری	۳۴ محمد
سازمان حسابرسی	۸۹۰۲۴۸	شریعتی	۳۵ محمدعلی
مؤسسه حسابرسی طوس	۶۷۴۴۲۵	شعبانی سبزه میدانی	۳۶ تیرانداز
مؤسسه حسابرسی وخدمات مدیریت هزینه یاب	۷۸۶۰۸۵۴	شکیبا	۳۷ احد
سازمان حسابرسی	۸۹۰۲۴۹	شله چی	۳۸ سیروس
سازمان حسابرسی	۸۹۰۲۴۲	شمس	۳۹ منصور
مؤسسه حسابرسی شاهدان	۸۳۹۱۰۰	شمس احمدی	۴۰ محمد
سازمان حسابرسی	۸۹۰۲۴۴	شوقیان	۴۱ پرویز
	۶۵۶۰۷۸	صادقی	۴۲ سعید
مؤسسه حسابرسی بهمند	۸۳۵۳۹۳	صدرا بی نوری	۴۳ قاسم
	۲۷۵۰۹۹	ضرغامی	۴۴ اصغر
مؤسسه حسابرسی آگاهان	۸۹۳۹۰۰	طهوری	۴۵ احمد
	۸۸۲۶۴۷۸	عبایی کوپایی	

نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۴	سید حسین	عربزاده	مؤسسه حسابرسی دش وهمکاران
۴	علیرضا	عطوفی	مؤسسه حسابرسی ایران مشهود
۴	سید داود	علوی	مؤسسه حسابرسی پارس
۴	نعمت الله	علیخانی راد	مؤسسه حسابرسی خیره
۵	جعفر	عوض پور	مؤسسه حسابرسی کاشفان
۵	علاءالدین	غفاری اقدس	سازمان حسابرسی
۵	کامبیز	غیابی	مؤسسه حسابرسی احتساب
۵	بهرام	غیابی	مؤسسه حسابرسی مختار وهمکاران
۵	هوشنگ	غیبی	
۵	خسرو	فخیم هاشمی	مؤسسه حسابرسی قضاوت
۵	فرزاد	فرهمنده بروجنی	مؤسسه حسابرسی نوگا
۵	بهزاد	فیضی	مؤسسه حسابرسی آگاهان
۵	طاهره	قدوسی	سازمان حسابرسی
۵	محمد ابراهیم	قربانی فرید	سازمان حسابرسی
۶	رضا	قنلدی	مؤسسه حسابرسی وثیق
۶	علیرضا	کریمی طار	مؤسسه حسابرسی بهداوران
۶	فریدون	کشانی	مؤسسه حسابرسی آزمون
۶	بهرام	کلانتر پور	
۶	پرویز	گلستانی	
۶	یحیویاد	گوهرزاد	مؤسسه حسابرسی نمودار
۶	سیروس	گوهری	مؤسسه حسابرسی شراکت
۶	عبدالمجید	محلای کاظمینی	مؤسسه حسابرسی محلاتی وهمکاران
۶	محمود	محمدزاده	
۶	نصرالله	مختار	مؤسسه حسابرسی مختار وهمکاران
۷	ابوالقاسم	مرآتی	مؤسسه حسابرسی رایان
۷	علیرضا	مستغاثی	مؤسسه حسابرسی بهداوران
۷	عبدالکریم	مستوفی زاده	مؤسسه حسابرسی حق بیان
۷	علی اصغر	مسلمی	سازمان حسابرسی
۷	وافناک	مسیحی شاه نظریان	
۷	علی	مشرقی آرائی	مؤسسه حسابرسی بهمنده
۷	رضا	معظمی	مؤسسه حسابرسی آفران
۷	اکبر	منفرد	مؤسسه حسابرسی مدیریار
۷	هوشنگ	منوچهری	سازمان حسابرسی
۷	ابراهیم	موسوی	سازمان حسابرسی
۸	حسین	موشانی	مؤسسه حسابرسی ممیز
۸	عبدالامیر	میراب	خدمات مالی ومشاوره ای
۸	مجید	میراسکندری	مؤسسه حسابرسی بینا
۸	منصور	میرزاخانی نافچی	
۸	ایرج	نجفیان	مؤسسه حسابرسی ایران یاور
۸	عبدالرضا	نوربخش	مؤسسه حسابرسی نوربخش وهمکاران
۸	اسدالله	نبلی اصفهانی	سازمان حسابرسی
۸	محمد حسین	واحدی	سازمان حسابرسی
۸	فریدون	واحدی نیکزاد	مؤسسه حسابرسی وحدنی
۸	بهروز	وقتی	مؤسسه حسابرسی رازدار
۹	علی	هاشم نژاد شیرازی	مؤسسه حسابرسی آندیشان
۹	اصغر	هشی	مؤسسه حسابرسی بهمنده
۹	عباس	هشی	مؤسسه حسابرسی بهمنده
۹	گارو	هوانسیان فر	مؤسسه حسابرسی تواندیشان

• این اعضا در این دوره اضافه شده اند.



ارزش آفرینی برای سهامداران: عوامل یاری دهنده، موانع

نوشته: جک م. رول و اسکات کاون

داخلی آنها کمتر از هزینه سرمایه باشد ارزش اقتصادی شرکت کاهش می یابد. بنابراین ارزش اقتصادی شرکت تابع مبلغ و زمان جریانهای نقدی و ریسک مرتبط با این جریانهاست.

سودی که براساس حسابداری تعهدی محاسبه می شود، در بسیاری از موارد معیار درستی در تعیین ارزش اقتصادی شرکت نیست. زیرا در محاسبه آن، مبلغ و زمان جریانهای نقدی دز نظر گرفته نمی شود. برای مثال، سود بسته به آنکه کدام روش قیمتگذاری موجودی یعنی اولین صادره از اولین وارده^۱ یا اولین صادره از آخرین وارده^۲ به کار گرفته شود تغییر می کند. دو پروژه که جریانهای نقدی همانندی دارند ممکن است به علت استفاده از دوروش متفاوت ارزیابی موجودیها دو درآمد متفاوت را نشان دهند.

ممکن است درآمد پروژه ای که موجودیهای آن براساس روش اولین صادره از اولین وارده برآورد شده غیرقابل قبول باشد، اما درآمد پروژه ای که موجودیهای آن براساس اولین صادره از اولین وارده برآورد شده قابل قبول جلوه کند. بدین ترتیب در سیستم حسابداری تعهدی، در محاسبه سود، مبلغ و زمان جریانهای نقدی و همچنین ریسک مربوط به آن بخوبی دز نظر گرفته نمی شود. بنابراین شرکتهایی که هدف آنها ایجاد ارزش برای سهامدارانست نباید در انتخاب بهترین پروژه ها، از درآمدهایی استفاده کنند که براساس سیستم حسابداری تعهدی محاسبه شده اند.

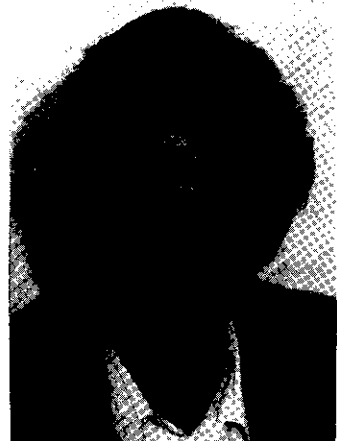
در بررسی سیستم ایجاد ارزش برای سهامداران، از یک الگوی جامع کنترل سازمانی استفاده کردیم. این الگو شامل چهار فرایند مرتبط با یکدیگر است:

- ۱- فرمولبندی هدف. ۲- فرمولبندی برنامه های
۲. First in First out (FiFo)
۳. Last in first out (Lifo)

هر چند بسیاری از شرکتهای که سهامشان در بازار بورس سهام معامله می شود یکی از هدفهای اصلی خود را ایجاد ارزش برای سهامداران قلمداد می کنند، اما سیستم برنامه ریزی و کنترل داخلی آنها در بسیاری از مواقع در جهت عکس این هدف عمل می کند. ما برای جستجوی واقعیت این چگونگی به بررسی این گونه شرکتهای و ادعای آنها پرداختیم. مرحله اول کار ما در این زمینه تهیه چهار چوبی نظری بود که با سیستم ایجاد ارزش هماهنگ باشد. مرحله دوم کار ما استفاده از این چارچوب به عنوان رهنمودی برای بررسی دو شرکت مدعی ارزش آفرینی برای سهامدار بود. هدف از این بررسی آن بود که ببینیم آیا سیستمهای برنامه ریزی و کنترل این شرکتهای با سیستم برنامه ریزی و کنترل ایجاد ارزش برای سهامدار هماهنگی دارد یا خیر.

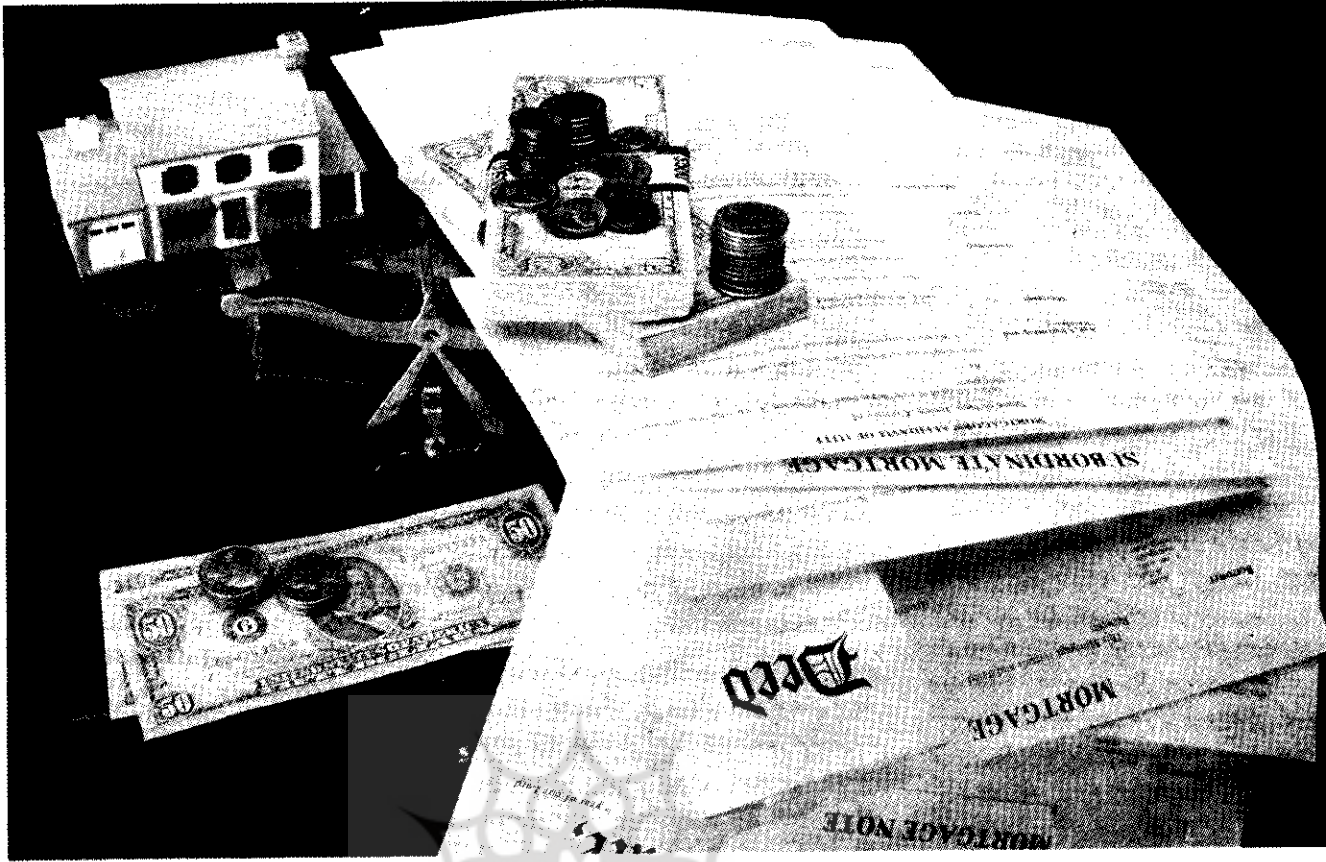
سیستم کنترل و برنامه ریزی مالی مبتنی بر ایجاد ارزش برای سهامدار چیست؟

ارزش اقتصادی یک شرکت، عبارت است از ارزش فعلی ویژه کلیه جریانهای نقدی مرتبط با پروژه های آن شرکت. نرخ تنزیلی که در محاسبه ارزش فعلی ویژه به کار گرفته می شود برابر است با هزینه^۱ سرمایه شرکت. از این دیدگاه، شرکت به عنوان مجموعه ای از پروژه ها ارزیابی می شود. ارزش برای سهامدار فقط زمانی ایجاد می شود که سرمایه گذاری در پروژه هایی انجام گیرد که ارزش فعلی ویژه آنها بیش از صفریا نرخ بازده داخلی آنها بیش از هزینه سرمایه باشد. اگر مدیران شرکت در پروژه هایی سرمایه گذاری کنند، که نرخ بازده



ترجمه: محسن مام بیگی

1. Cost of Capital



اصولاً به ایجاد ارزش برای سهامدار بپردازد، باید از آن صرف نظر کرد. بعلاوه، کلیه مدیران باید نشان دهند که اقدامات آنها در جهت بیشینه کردن ارزش سهام است.

از سیستم حسابداری مالی برای تعیین پاداش مدیران بدرستی استفاده نمی شود.

شرکتهایی که هدف آنها ایجاد ارزش برای سهامدار است باید از میان گزینه های مختلف، روشهایی را برای بودجه بندی سرمایه ای برگزینند که ارزش زمانی در آن در نظر گرفته می شود. برای مثال استفاده از تنزیل جریانهای نقدی، یا روش نرخ برگشت از سرمایه داخلی با مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار هماهنگی دارد. اما روش مدت بازیافت سرمایه و یا روش نرخ میانگین برگشت از سرمایه با مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار هماهنگی و همسویی ندارد.

ورق بزنید

تصمیمهای خود را روی عواملی که بر این موضوع اثر می گذارد متمرکز کنند.

مدیریت باید اهدافی که با مفهوم ارزش آفرینی برای سهامدار هماهنگی و همسویی ندارد چشمپوشی کند. برای مثال، افزایش درآمد و سود هدفی نیست که همواره با هدف ایجاد ارزش همسو باشد. تمرکز روی هدفهایی مانند افزایش سود، ممکن است مسیر تفکر مدیریت را باز توجه به هدف ایجاد ارزش باز دارد و فقط به «مدیریت حسابها» رهنمون شود. همچنین مدیریت زده بالا باید همواره تأثیر مفهوم ایجاد ارزش بر سازمان را در نظر داشته باشد تا مطمئن شود که این مفهوم واقعاً از جانب کارکنان فهمیده و پذیرفته شده است.

فرمولبندی برنامه های استراتژی

در فرایند فرمولبندی برنامه های استراتژی، مدیریت به طراحی برنامه های اجرایی می پردازد تا آنان در دستیابی به هدفهایش یاری گیرد. نکته مهمی که در این مرحله نیز باید در نظر داشت هدف ایجاد ارزش برای سهامدار است. در بعضی موارد نتایج برنامه ها ممکن است تا مدتی آشکار نشود. اما به هر جهت، اگر انتظاری رود که پروژه ای نمی تواند

استراتژیکی. ۳- کنترل مدیریت. ۴- حقوق و پاداش مدیران. کلیه این عوامل در ایجاد ارزش برای سهامدار مؤثرند. در مرحله فرمولبندی هدفها، شرکت اهداف بلندمدت مالی و غیرمالی را تعیین می کند.

این هدفها از طریق اجرای برنامه های استراتژیکی تحقق می یابند. سیستم کنترل مدیریت موظف است که تحقق هدفهای مدیریت را پیگیری کند و بالاخره سیستم پاداش مدیران بدین منظور است که مدیرانی که در جهت دستیابی به هدفهای سازمان تلاش می کنند از اثرات تلاش خود به صورت مالی بهره مند شوند.

فرمولبندی هدفها: مدیریت زده بالا باید مفهوم ارزش سهام را به دقت تعریف و اعلام کند که ایجاد ارزش برای سهامدار، هدف اصلی و نهایی شرکت است. در یک شرکت شرح دقیقی از هدفهای ارزش آفرین در اختیار کلیه کارکنان گذاشته شد و بدین ترتیب شرکت نشان داد که ایجاد ارزش برای سهامدار هدف اصلی است و تنها شعار نیست.

در مرحله بعد، مدیریت باید در زمینه آموزش کارکنان فعالیت کند و به آنها بیاموزد که ایجاد ارزش برای سهامدار فرایندی نسبتاً درازمدت است و بنابراین توجه به اهداف کوتاهمدت در این جا ناسبتی ندارد. از همه مهمتر آنکه کلیه مدیران باید به اهمیت مبلغ و زمان جریانهای نقدی پی برده

کنترل مدیریت

جهت اطمینان یافتن از تحقق هدفهای درازمدت مدیریت، شرکت باید دارای یک سیستم کنترل مدیریت نیرومند و کارآ باشد. سیستم کنترل مدیریت شامل چند سیستم فرعی دیگر مانند سیستم بودجه، سیستم گزارشهای مالی و سیستم گزارشهای عملکرد است.

مدیران دواير مختلف سازمان باید بودجه‌های نقدی چندین ساله تهیه کنند تا توجه آنها همواره بر اصل مفهوم ارزش آفرینی، که تنزیل جریانهای نقدی است متمرکز باشد. در این جا بر واژه «چندین ساله» تأکید می‌شود. در رسیدن به هدف ایجاد ارزش برای سهامدار، مبلغ و زمان جریانهای نقدی طی یک دوره بلندمدت چندین ساله باید در نظر گرفته شود. همچنین باید یک سیستم گزارشگری جهت مقایسه سریع و دقیق نتایج واقعی با برنامه‌های از پیش تعیین شده وجود داشته باشد، بخصوص نتایجی که مرتبط با مبالغ و زمان جریانهای نقدی است. انحرافهایی که برای ایجاد ارزش برای سهامدار اثر می‌گذارد باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

حقوق و پاداش مدیران

سیستم تعیین پاداش مدیران باید با سیستم ایجاد ارزش برای سهامدار هماهنگ باشد. همان گونه که در پیش هم اشاره شد، معیارهای حسابداری مالی سنتی نظیر سود و درآمد اساس مناسبی برای تعیین پاداش مدیران نیست و در حقیقت ممکن است باعث کاهش ارزش سهام سهامداران شود. ارزش اقتصادی از طریق جریانهای نقدی ایجاد می‌شود نه از طریق کاربست روشهای قراردادی حاکم بر روش حسابداری تعددی. مانند اولین صادره از اولین وارده یا اولین صادره از آخرین وارده بنابراین سیستم تعیین پاداش مدیران باید بر اساس مبلغ و زمان جریانهای نقدی استوار باشد.

یک راه حل مسئله تعیین پاداش مدیران آن است که پاداش حداقل تا حدودی بر اساس گزارشهای چندین ساله جریانهای نقدی تعیین شود. بدین منظور لازم است که جریانهای نقدی از دو تا سه سال پیش مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی چندین ساله

موجب می‌شود که مدیران، تصمیمات کوتاهمدتی که در جهت منافع دراز مدت شرکت نیست نگیرند. ممکن است برخی بگویند که با این روش احتمال دارد مدیران برای افزایش پاداش خود دست به حساب سازی جریانهای نقدی بزنند. پاسخ این است که یک بررسی چندین ساله جریانات نقدی می‌تواند عامل بازدارنده‌ای در این مورد باشد. علاوه بر مبلغ و زمان جریانهای نقدی به عنوان اساس تعیین پاداش مدیران نشانه اهمیت شرکت به مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار است.

نتایج بررسی دو شرکت

با به کارگیری چهار چوب فوق، به بررسی دو شرکت که در گزارش سالانه خود ادعای ایجاد ارزش برای سهامدار را دارند پرداختیم. هر دو شرکت تولیدی اند و سهام آنها در بازار بورس داد و ستد می‌شود. شرکت A یکی از بزرگترین تولیدکنندگان در تولید یک محصول خاص است. فروش این شرکت در سال ۸۹ بیش از ۱/۲۵ میلیارد دلار بود. شرکت B تولیدکننده چندین فراورده است و فروش آن در سال ۸۹ بیش از ۷ میلیارد دلار بوده است. اطلاعات مربوط به این دو شرکت در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

ما در اینجا به ذکر کلیه جوانب بررسی خود نمی‌پردازیم، بلکه فقط نکاتی را تشریح می‌کنیم که به صورت نیرویی بازدارنده شرکتها را از هدفهای ارزش آفرینی خود برای سهامدار دور کرده است. بررسی ما نشان داد که حداقل سه عامل اصلی بازدارنده در سیستم کنترل و برنامه ریزی مالی این شرکتها وجود دارد که باعث می‌شود مدیریت به اندازه لازم به موضوع ایجاد ارزش برای سهامدار توجه نکند. این سه عامل را می‌توان به الگوی سیستم برنامه ریزی مالی و کنترل ایجاد ارزش برای سهامدار، که در پیش به آن اشاره کردیم ارتباط داد.

عوامل بازدارنده ایجاد ارزش برای سهامدار کدامند؟

سیستم حسابداری مالی، عامل عمده بازدارنده در برابر مدیرانی است که هدفشان در هنگام انتخاب از بین چند پروژه ایجاد ارزش برای سهامدار است. حسابداری مالی بر پایه اصول پذیرفته شده فراگیر

استوار است، و در تهیه گزارشهای مالی مانند صورتحساب سود و زیان و ترازنامه که مورد توجه و استفاده افراد خارج از شرکت است به کار گرفته می‌شود. زمانی که گزارشهای حسابداری مالی به جای اطلاعات و عوامل وارد و مرتبط، اساس انتخاب از بین چند پروژه را تشکیل می‌دهد، مدیریت به احتمال زیاد تصمیمهای اشتباهی خواهد گرفت.

در شرکت B، سیستم حسابداری مالی حداقل از دو راه در برابر هدف ایجاد ارزش برای سهامدار قرار داشت. نخست آنکه این سیستم اساس تعیین پاداش مدیران دواير بود. معاون مدیرعامل در قسمت مالی در این مورد چنین توضیح داد:

«مسئله این نیست که مدیران دواير (منظور دواير سود است) از مفهوم تنزیل جریانهای نقدی که اساس ایجاد ارزش برای سهامدار است بی‌اطلاعند، آنها با این موضوع آشنا هستند. هر چند که با معیارهای سیستم حسابداری مالی مانوس ترند و کار با این سیستم برای آنها آسانتر است. آنها می‌توانند با حساب سازی و روشهایی شناخته شده، به هدفهای شخصی خود که، دریافت پاداشهای کلان و گسترش دواير خود است دست یابند. بنابراین دلیلی ندارد که سیستمی را که برای شخص آنها مفید است تغییر دهند». تشویق مدیران شرکت B به استفاده از اصول ایجاد ارزش برای سهامدار مشکل بود. زیرا پاداش شخصی آنها ارتباط مستقیم با نتایج تصمیماتی داشت که بر اساس اصول حسابداری مالی می‌گرفتند. پس از آنکه سیستم تعیین پاداش جدیدی به کار گرفته شد، تغییرات محسوس شروع به شکل گرفتن کرد.

مانع دومی که سیستم حسابداری مالی در برابر هدف ارزش آفرینی ایجاد می‌کرد، استفاده از آن در پذیرش و انتخاب پروژه دواير بود. مدیران دواير شرکت B به عنوان اساس پذیرش پروژه‌های خود به وسیله کمیته تصمیمگیرنده، مجبور بودند صورتحساب سود و زیان برآوردی برای ۵ سال بعد را تهیه کنند. این صورتحساب همچنین شامل برآورد ارقامی چون سود انباشته سالانه، نسبت سود به داراییها و نیز نرخ برگشت از سرمایه داخلی بود. از آنجا که سود تخمینی که بر اساس حسابداری مالی محاسبه می‌شود، همیشه نشانه معتبری از ایجاد ارزش برای سهامدار نیست، بنابراین روند افزایشی سود الزماً به معنی روند افزایش ارزش سهامدار نیست.

در شرکت B معیار اصلی پذیرش یک پروژه،

ششینی هایی است که براساس روش حسابداری مالی انجام می‌گیرد. اگر این پیشبینی‌ها سیدوارکننده بود، آنگاه تفاضل نرخ برگشت از سرمایه داخلی و قیمت سرمایه نیز در نظر گرفته می‌شود. معیار جریانهای نقدی تنزیل شده که برای پیشبینی ارزش آفرینی برای سهامدار به کار می‌رود سنجاکت از این دارد که پذیرش این پروژه‌ها کاهش ارزش اقتصادی شرکت می‌انجامد.

بنابراین مانعی که در برابر هدف ارزش آفرینی وجود دارد استفاده از معیارهای مبتنی بر روش حسابداری مالی است. این معیارها، بخصوص اشتباه در تعیین پاداش مدیران و فرمولبندی پاداش‌های استراتژیکی به کار گرفته می‌شود.

روش حسابداری مالی اغلب براساس اطلاعات ریخی است و سود براساس روش هزینه‌یابی کامل محاسبه می‌شود. تصمیمگیری با در نظر گرفتن این موارد اصولاً اشتباه است. روش حسابداری مالی اساس معتبری در پیشبینی ایجاد ارزش برای سهامدار نیست و استفاده از آن ممکن است به انتخاب پروژه‌های زیان آور اقتصادی برای شرکت بینجامد.

معادن مدیرعامل در بخش مالی شرکت B چنین توضیح داد: «من کاملاً با مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار که از طریق تنزیل جریانهای نقدی حاصل می‌شود موافقم اما می‌دانم که تشریفات مالی گزارشها و ارقام مربوط به سود و درآمد را منتشر می‌کنند نه ارقام و گزارشهای مربوط به جریانهای نقدی تنزیل یافته را. این چیزی است که مردم طالب هستند». به عقیده این مدیر، او آنچه را که بازار مالی دنبال آن است تهیه می‌کند، یعنی صورت حساب سود و زیانی که براساس روش تهمندی حسابداری مالی تهیه می‌شود.

بسیاری از مدیران شرکتها احتمالاً همین عقیده را دارند. مدیر مالی شرکت A به رقم پیشبینی سود در پایان هر سهم برای سال آینده اشاره کرد و گفت: «این عاملی است که باعث می‌شود قیمت سهام بالا رود.» از نظر او مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار و سودی که از طریق روش تعهدی حسابداری مالی محاسبه می‌شود مغایرتی با یکدیگر ندارند. افق دید ریخی کوتاه بود و بیش از دوسال آینده را در بر می‌گرفت. این مدیر مالی همچنین عقیده داشت که ضایعات سازمانها و شرکتهایی که در سهام شرکت او سرمایه‌گذاری کرده‌اند باید جلب شود. این شرکتها شامل شرکتهای بیمه و شرکتهای سرمایه‌گذاری است که به سودهای کوتاهمدت چهارماهه توجه دارند. او گفت: «اگر این شرکتها نظرشان تأمین نشود سهام ما

را خواهند فروخت و این باعث کاهش قیمت سهام ما خواهد شد.»

همان گونه که در پیش هم گفته شد ایجاد ارزش برای سهامدار فرایندی درازمدت است. مدیرانی که هدف ارزش آفرینی را در نظر دارند باید از پیشنی درازمدت برخوردار باشند. آنها ممکن است ناگزیر در بخش تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری زیادی بکنند که نتایج با ارزش آن در درازمدت ظاهر می‌شود.

بنابراین مانع دومی که وجود داشت تمرکز روی هدفهای کوتاهمدت بود. این مدیران برای جلب توجه و رضایت خاطر سهامداران خود همواره می‌کوشیدند هدفهای کوتاهمدت را مبنای کار خود قرار دهند. این تفکر ممکن است منجر به تصمیماتی شود که به زیان هدفها و ارزشهای درازمدت است.

ناآشنایی مدیران با مفهوم و اصول ارزش آفرینی برای سهامدار

مطالعات ما در دو شرکت نشان داد که مدیران از چگونگی ایجاد ارزش سهام و عوامل دخیل در ارزش آفرینی ناآگاهند. در مواردی هم که مدیران رده بالا با این مفاهیم آشنایی داشتند آموزش کافی به مدیران رده پایین تر داده نمی‌شد. شرکت B را در نظر می‌گیریم. این شرکت هنگام تصمیمگیری در مورد خرید شرکتهایی دیگر از اصول و روش ارزش آفرینی استفاده می‌کرد. بدین معنی که قبل از خرید یک شرکت کلیه جریانهای نقدی مربوط به این خرید را تجزیه و تحلیل می‌کرد و سپس این جریانها را با هزینه سرمایه مناسب تنزیل می‌نمود. بدین ترتیب تصمیمگیری در مورد خرید یک شرکت جدید براساس اصول پذیرفته شده ارزش آفرینی برای سهامدار انجام می‌پذیرفت.

اما پس از آنکه شرکت جدید خریداری می‌شد، مدیران شرکت یاد شده نه براساس اصول ارزش آفرینی، بلکه بر پایه سود سالانه‌ای که براساس روش حسابداری مالی محاسبه می‌شد ارزیابی می‌شدند. به زبان دیگر مدیران رده بالا در تصمیمگیریهای سرمایه‌گذاری از یک معیار ارزیابی، یعنی روش تنزیل جریانهای نقدی استفاده می‌کردند، اما در تصمیمهای عملیاتی معیار دیگر، و نامناسب، یعنی سود سالانه به کار می‌بردند. مدیریت یا متوجه این نکته نبود و یا به آن اهمیت نمی‌داد که باید در هر دو مورد از یک معیار استفاده شود.

شرکت B بسیار می‌کوشید که به مدیران خود

اصول ارزش آفرینی را آموزش دهد. ظرف ۱۰ سال گذشته از چند شرکت مشاور مدیریت خواسته شده بود که سیستم تعیین پاداش مدیران را براساس مفاهیم ارزش آفرینی برای سهامدار طراحی کنند. این شرکتها در طراحی چنین سیستمی چندان موفق نبودند، اما ضمن طراحی موفق شدند کارکنان را با مفاهیم ارزش آفرینی برای سهامدار آشنا کنند.

در شرکت A، مدیریت هیچ کوششی در این راستا نمی‌کرد و عقیده داشت معیارهایی که براساس روش حسابداری مالی در تصمیمگیریها، انتخاب پروژه‌ها و ارزیابی مدیران و دوا بر به کار گرفته می‌شود کافی است. به عقیده مدیریت درک مفهوم جریان نقدی برای مدیران مشکل است. تمرکز آنها بیشتر روی فروش و هزینه‌هاست نه جریانهای نقدی تنزیل شده. مدیریت عقیده داشت سودی که از طریق روش حسابداری مالی تعیین می‌شود معیار مناسبی در ارزیابی دوا بر و مدیران است.

مدیریت بر آن بود که اصطلاح «ارزش برای سهامدار» چیزی جز یک شعار تبلیغاتی نیست. بنابراین عامل سوم، معنی نامفهوم بودن اصل ارزش آفرینی برای سهامدار مشکلات زیادی در فرمولبندی هدفها، فرمولبندی تصمیمهای استراتژیکی و سیستم تعیین پاداش ایجاد کرده بود. دو شرکت A و B دوا بر خورد متفاوت با مفهوم ارزش آفرینی داشتند. شرکت B می‌کوشید این مفهوم در شرکت عملاً جا بیفتد و اجرا شود. در حالی که شرکت A اهمیتی به این موضوع نمی‌داد و طبق روال همیشگی عمل می‌کرد.

رفع موانع

در هر شرکت، مدیران رده بالا مسئول رفع موانعی هستند که در برابر ارزش آفرینی برای سهامدار قرار دارد. آنها باید بکوشند که هر یک از کارکنان در جهت این هدف قدم بردارند در نظر نگرفتن این مطلب ممکن است به قیمت از دست دادن شغل آنها و روی کارآمدن افراد کارآمد تمام شود.

مدیران می‌توانند جهت تمرکز بیشتر سازمان بر عوامل مؤثر بر هدف ارزش آفرینی چهار گام اساسی در ارتباط با امور داخلی سازمان بردارند که عبارت است از:

۱- تعریف و تشریح مفهوم ایجاد ارزش برای سهامدار و هدف از آن؛ باید به کلیه مدیران آموزش

حرفه وانجمن

یک خبر دانشگاهی

فراخوان

همکاران، نویسندگان، مترجمان، مصاحبه‌شدگان و شرکت‌کنندگان در میزگردها و همکاران چاپ و انتشار و توزیع حسابدار به شرکت در جشن انتشار صدمین شماره حسابدار

مردادماه ۱۳۷۲ صدمین شماره حسابدار منتشر خواهد شد و در همان ماه جشنی به همین مناسبت برگزار خواهیم کرد که تمامی همکاران حسابدار در آن حضور خواهند یافت؛ نویسندگان، مترجمان، ویراستاران، صاحب‌نظران، استادان کارشناسان و کارگزارانی که برای حسابدار مقاله نوشته‌اند، به‌انتشار آن یاری رسانده‌اند، در مصاحبه‌ها یا میزگردهای آن شرکت کرده‌اند و یا مقاله‌هایی را برای ماهنامه ترجمه کرده‌اند، همچنین همکاران حسابدار در صنعت چاپ، طراحی یا همکاران توزیع... میهمانان ما در این جشن خواهند بود. بدین منظور از تمامی همکاران و یاریگران حسابدار درخواست می‌کنیم نشانی و تلفن خود را برای ما ارسال کنند تا دسترس به آنها برای ما آسانتر باشد.

افزون بر این می‌خواهیم در این جشن از همراهی و رهنمودهای پیشکسوتان و بزرگان حرفه بهره‌مند باشیم و چون دستیابی به موقعیت و نشانی آنها در مواردی به آسانی امکانپذیر نیست، از تمامی اعضای حرفه در سرتاسر کشور درخواست می‌کنیم چنانچه به نشانی این بزرگان دسترس دارند ما را نیز آگاه کنند.

انتشار صدمین شماره حسابدار را در صفحات صدمین شماره نیز گرامی خواهیم داشت، از این رو از هم‌اکنون از تمامی خوانندگان گانی که مایلند نظرشان را در باره حسابدار در شماره یاد شده به آگاهی دیگر خوانندگان ماهنامه برسانند، و یا رهنمودی برای آینده آن داشته باشند، درخواست می‌کنیم مطالب خود را برای ما ارسال کنند.



شماره دوم فصلنامه علمی و پژوهشی

«بررسیهای حسابداری» منتشر شد

این شماره فصلنامه نیز با یادداشت سردبیر آغاز می‌شود که در آن از نگرانیهای گردانندگان نشریه در آغاز راه و انتشار نخستین شماره فصلنامه یاد شده و به حمایتها و پشتیبانیهای درخور توجه خوانندگان ایرانی و استادان حسابداری مقیم خارج از کشور و امیدواری بیش از پیش گردانندگان «بررسیهای حسابداری» اشاره شده است. سردبیر فصلنامه همچنین در یادداشت خود افزوده است که استقبال استادان حسابداری مقیم خارج از کشور از همکاری با نشریه سبب شده است که «بررسیهای حسابداری» درصدد شناساندن خود به آن سوی مرزها برآید و بدین منظور مقاله‌ای، به قول سردبیر فصلنامه به زبان اصلی؟! در شماره دوم چاپ شده است.

این شماره فصلنامه مقاله‌های زیر را در برمی‌گیرد:

- الگوهای علمی حسابداری
- تأثیر روشهای حسابداری در تصمیمگیریهای مدیریت
- حسابداری خرید اقساطی بر اساس موازین قانونی و شرعی
- اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد؛ بررسی مورد ایران
- حسابداری مدیریت: گذشته، حال و آینده.

- The EDP Impact on the Audit Approach and the External Auditor's Evaluation of Internal Accounting Control.

برابر اطلاع، دو تن از دانشجویان اولین دوره دکترای دانشگاه آزاد اسلامی این دوره را با موفقیت به پایان بردند. اسامی و موضوع پایان‌نامه و استادان راهنمای هریک به شرح زیر در اختیار ماهنامه قرار گرفته است:

۱. آقای رضاعلی رویایی

موضوع رساله: صورتهای مالی تعدیل شده بر اساس شاخص عمومی قیمتها و تأثیر آن بر تصمیمهای اقتصادی

استاد راهنما: آقای دکتر علی تقفی

۲. آقای سید محمدرضا طباطبایی

موضوع رساله: حسابداری مدیریت، پیشبینی تغییرات قیمت به کمک اطلاعات مالی و اقتصادی استاد راهنما: آقای دکتر رضا شباهنگ

آقای دکتر ابرج علی آبادی

نویسنده محترم مقاله «بیمه در ایران: پیدایش، پیشرفت‌ها و...» در ماهنامه شماره ۹۱-۹۲ که به بررسی مسائل بیمه در ایران اختصاص داشت، در تماس با دفتر ماهنامه دونکنه را یادآور شده‌اند و خواسته‌اند که در ماهنامه درج شود. نخست این که نام درست آقای دکتر صالحی در زیرنویس شماره ۴ مقاله یاد شده دکتر جانعلی محمود صالحی است و دیگر این که ایشان در تنظیم مقاله‌شان از کتاب «بیمه در ایران» تألیف خیرالله آجری بهره گرفته‌اند.

ماهنامه نیز وظیفه دارد یادآور شود که تصاویر مستند و تاریخی مربوط به تاریخ بیمه مندرج در شماره یاد شده را از کتاب آقای آجری برگرفته است.

سمینار یکروزه

نقش کنترل‌های داخلی در مدل‌های حسابرسی مبتنی بر سیستم و ریسک

این سمینار به مدت یک روزه در تاریخ سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۲ در هتل بین‌المللی لاله برگزار خواهد شد و موضوعهای زیر را بررسی خواهد کرد:

۱. تعریف کنترل‌های داخلی/تشریح اجزای اصلی ساختار کنترل/ویژگیهای سیستم کنترل داخلی مؤثر.
۲. شناخت و ارزیابی سیستمها و کنترلها/استفاده از نتایج ارزیابی سیستمها و کنترلها در طراحی و اجرای آزمونهای حسابرسی.
۳. تشریح مدل ریسک حسابرسی و کاربرد آن در حسابرسی مبتنی بر سیستم.
۴. شواهد حسابرسی

هزینه شرکت در سمینار یادشده برای هر نفر ۵۰۰ ریال است، اما اعضای انجمن حسابداران خیره ایران از ۲۰ درصد تخفیف ستفاده خواهند کرد.

علاقه‌مندان به شرکت در این سمینار می‌توانند زینه شرکت در سمینار را به حساب ۱۵۱۳ بانک ملی ایران شعبه طالقانی (کد ۰۹۴) به نام انجمن حسابداران خیره ایران واریز کنند و تصویر رسید نکلی مربوط را به همراه نام و مشخصات، نشانی و شماره تلفن خود به نشانی انجمن حسابداران خیره ایران: (خیابان نجات الهی، شماره ۱۵۲) ارسال فرمایند. مؤسسه‌های حسابرسی نیز که علاقه‌مند ثبت نام همکاران خود به صورت گروهی باشند، می‌توانند هزینه شرکت تمامی همکاران خود را یکجا پرداخت و رسید مربوط را با ذکر نام و مشخصات هر یک از همکارانشان ارسال فرمایند. زبون بر اینها، به آگاهی می‌رساند:

۱. زمان تقریبی سمینار با در نظر گرفتن زمانهای

کلیات

لایحه «استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی» در مجلس تصویب شد.

سرانجام پس از ۹ ماه که از تصویب لایحه یادشده در هیئت دولت می‌گذشت، کلیات آن به تصویب رسید.

این لایحه در جریان بررسیهای نخستین در مجلس شورای اسلامی از طرف کمیسیونهای امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات رد شده و در کمیسیونهای ضابط و معادن و امور بازرگانی و توزیع به تصویب رسیده بود.

چنانکه اعضای حرفه آگاهی دارند به موجب این لایحه به دولت اجازه داده می‌شود از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران با صلاحیت به عنوان حسابدار رسمی برای حسابرسی و بازرسی قانونی مؤسسات تولیدی، بازرگانی و خدماتی بهره گیرد. فعالیت این گونه حسابداران، حوزه‌های حسابرسی و بازرسی شرکتهای سهامی، غیرسهامی، موسسه‌های انتفاعی و غیرانتفاعی و حسابرسی مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی را در برمی‌گیرد.

بنابر مقررات لایحه یادشده، نخستین گروه حسابداران رسمی به تعداد دست کم ده نفر می‌توانند به عنوان هیئت مؤسس «انجمن حسابداران رسمی ایران» این جامعه را به صورت مؤسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و با استقلال مالی برپا کنند.

شورای عالی انجمن حسابداران خیره ایران در زمان تصویب این لایحه در هیئت دولت و پیشنهاد آن به مجلس (اردیبهشت ۷۱) لایحه یادشده را طی بیانیه‌ای در ماهنامه شماره ۸۸/۸۷ مرداد ۱۳۷۱ واجد ویژگیهایی تشخیص داد که امکان تحقق بخشیدن به کارکردهای اصولی این گونه تشکیلات را دارد و البته دستیابی به چنین نتیجه‌ای را مشروط به انتخاب اشخاص با صلاحیت به عنوان هیئت مؤسس، و تدوین آیین نامه اجرایی مناسب دانست. و در عین حال، تحقق هدفهای بنیادی لایحه را مشروط به تغییر یا وضع قوانین مناسب در زمینه الزامی کردن حسابرسی مؤسسه‌های اقتصادی-انتفاعی و غیرانتفاعی و ارجاع وظیفه بازرسی قانونی این مؤسسه‌ها به اشخاص متخصص و مجرب حرفه‌ای تشخیص داد.

افزون بر این انجمن حسابداران خیره ایران در همان بیانیه آمادگی خود را برای هرگونه همکاری در زمینه تدوین آیین نامه اجرایی لایحه پیشگفته و مشارکت در تشکیل جامعه یادشده و معرفی و پیشنهاد اعضای هیئت مؤسس اعلام کرد.

استراحت، پذیرایی و صرف نهار ۸ ساعت و از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶:۳۰ خواهد بود. از شرکت کنندگان برای صرف نهار در محل هتل پذیرایی خواهد شد.

۲. لطفاً روی پاکتهای ارسالی حاوی مکاتبات مرقوم بفرمایید مربوط به سمینار کنترل‌های داخلی.

۳. دبیرخانه انجمن هر روز (بجز پنجشنبه‌ها) از

ساعت ۱۰:۰۰ صبح تا ۱۴ بعد از ظهر با تلفن ۸۹۲۹۲۶ آماده پاسخگویی به پرسشهای علاقه‌مندان خواهد بود.

۴. برنامه تفصیلی برگزاری سمینار تا دهم اردیبهشت ماه برای ثبت نام شدگان ارسال می‌شود.

کمیته انتشارات و روابط عمومی

مدیریت مالی و حسابداری مدیریت*

نوشته : دیوید آلن**

قضاوت درباره آینده نامعلوم است، ایجاد و افزایش ثروت در آینده را دنبال می‌کند و به سودهای هنوز به دست نیامده و داراییهایی که اکنون نامشهودند می‌پردازد.

۲. حسابداری تحت تأثیر عینیتهاست و از بیرون به رویدادهای مؤسسه می‌نگرد و از شاخصهای بهای تمام شده و تغییرات داراییها برای ارزیابیهای خود بهره می‌گیرد. از دیده حسابداری سود بخشی از مازاد مؤسسه است که می‌توان آنرا بین سهامداران تقسیم کرد به صورتی که مؤسسه از نظر فعالیت در شرایط قبل از تقسیم سود باقی بماند. حال آن که مدیریت مالی از درون رویدادها و در پیوند متقابل با آنها بدانها می‌نگرد، به برآوردهای ذهنی تکیه می‌کند و به ارزش واقعی داراییها و بازده مناسب برای سرمایه به کار گرفته شده نظر دارد و زمانی توزیع سود بین سهامداران را مناسب می‌داند که تأمین سرمایه کافی برای ادامه فعالیت مؤسسه امکانپذیر باشد.

۳. حسابداری شالوده‌ای است به طور نسبی و ذاتی ایستا؛ روابط موردی را در چارچوب دوره‌های زمانی محدود و به صورتی محتاطانه بررسی می‌کند و نتیجه گیریهای خود را از خلال تغییرات سرمایه و درآمد درمی‌یابد. در حالی که مدیریت مالی به طور ذاتی پویاست و به تداوم فعالیتها در درازمدت می‌نگرد و نتیجه گیریهای خود را بر پایه چگونگی جریانهای نقدی در مؤسسه و

همچنانکه وظایف سنتی حسابداری به تکنیسینها و کامپیوترها واگذار می‌شود، حسابداران مدیریت با تقاضای فزاینده‌ای برای ارائه خدمات در زمینه کنترل مؤسسه‌های اقتصادی روبرو می‌شوند و بدین ترتیب حسابداران حرفه‌ای در رقابت با گروه وسیعی از رقبای غیرحسابداری یعنی مدیران مالی قرار می‌گیرند. از این رو کمیته حسابداری مالی و مدیریت^۱ نیز که مدیران ارشد مالی بسیاری در سراسر جهان در آن عضویت دارند، فعالیتهای خود را بیشتر در زمینه کنترل مؤسسه‌های اقتصادی متمرکز کرده است. در این باره می‌توان از نوشتارهایی حرفه‌ای یاد کرد که به طور نمادین بیان داشته‌اند: «پیشرفته‌تر در مؤسسه‌هایی به دست می‌آید که حسابداری مدیریت به هر جهت در آنها از کارایی بازمانده باشد».

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد باید تفاوت‌های چشمگیر بین مدل حسابداری طراحی شده برای گزارشگری بیطرفانه و بدون هر گونه واکنش فعالانه به رویدادها در مباحثت با مدیریت و مدل مدیریت مالی را، که برای اعمال مدیریت، فعالانه درگیر کنترل مؤسسه‌هاست، بازشناخت. این گونه تفاوتها از این قرارند:

۱. حسابداری درگیر حقایقی است که در گذشته روی داده‌اند و نشان می‌دهد که چه میزان به صورت داراییهای مشهود بر ثروت مؤسسه افزوده شده است، در حالی که مدیریت مالی در کار

* نقل از: Management Accounting, June 1992

•• دیوید آلن رئیس کمیته حسابداری مالی و مدیر فدراسیون بین‌المللی حسابداران، نهاد هماهنگ کننده انجمنها، جامعه‌ها و انستیتوهای حسابداری در کشورهای مختلف است.

1. Financial and Management Accounting Committee (FMAC).

ارزش زمانی پول (و یا هزینه تأمین سرمایه) بنا می‌کند.

البته طرح ویزگیهای حسابداری سنتی به مفهوم نفی مدل حسابداری که به کار گزارشگری در مباشرت با مدیران می‌آید نیست. افزون بر این طرح مسائل پیشگفته به مفهوم ارائه توصیه برای ایجاد تغییر و دگرگونی در ضابطه‌ها و انضباطهای حسابداری یا مفاهیم مربوط به آن نیز نیست؛ چه این گونه تغییرات می‌تواند به عنایت‌گرایی موجه حسابداری آسیب وارد آورد. بلکه هدف از طرح تفاوت‌های این دو مدل، آشکار ساختن واقعیتی است که حسابداران تنها به رویدادهای حسابداری وابسته نیستند، بلکه، چنانکه در نمودار زیر نشان داده شده است، به رویدادهای مالی نیز وابسته‌اند.

نقشهای مدیریت مالی

مدیریت مالی دارای دو نقش جداگانه اما در ارتباط با یکدیگر است، که یکی از این دو نقش جنبه برون سازمانی مدیریت مالی و دیگری جنبه درون سازمانی آن را تشکیل می‌دهد.

نقش برون سازمانی

فعالیت‌های مربوط به این نقش مدیریت مالی «خزانه‌داری» نامیده می‌شود و در چارچوب روابط میان مؤسسه و بازار سرمایه ایفا می‌شود و مهمترین وظایف آن عبارت است از:

۱. تعیین منابع تأمین وجوه، از تهیه وام تا اشکال متفاوت تأمین سرمایه.
۲. برآوردن انتظارات اقتصادی تأمین کنندگان وجوه مانند؛ پرداخت بهره، سود و حتی مالیات.
۳. استفاده از هر یک از منابع تأمین به اندازه معقول و با شرایط مناسب.

نقش درون سازمانی

فعالیت‌های این نقش بیشتر در برگیرنده اقدامات کنترلی است و ارتباطات بین مؤسسه و عملیات تجاری (یا ارتباط بین محصول و بازار) آن را مورد توجه قرار می‌دهد. فعالیت‌های مهم این نقش در برگیرنده اقدامات زیر است:

۱. تشخیص فرصتهای مناسب برای توسعه فعالیت‌های مؤسسه.

۲. برآورد بازده تقریبی وجوه به کار گرفته شده.

۳. تخصیص وجوه به فرصتها و فعالیت‌هایی که بازده مناسبی دارد.

ارتباط اصلی نقشهای دوگانه مدیریت مالی به وسیله ارزش زمانی پول برقرار می‌شود. از این نظر شاخص نرخ بازگشت سرمایه که از دیده خزانة دارمبنای تصمیمگیری او برای استفاده از وجوه است، ضابطه اصلی مدیر مالی برای تخصیص وجوه به فعالیتها نیز به شمار می‌آید. بدین ترتیب ضابطه‌های ارزیابیها در بازار سرمایه مبنای تخصیص منابع در مؤسسه‌های اقتصادی قرار می‌گیرند و می‌توانند فرصتهای مساعد برای رشد و بقای مؤسسه‌ها فراهم آورند. ساز و کارهای برشمرده بالا با دیدگاهی که هدف مالی مؤسسه‌ها را بیشینه کردن ارزش مؤسسه و هدف سرمایه‌گذاران را بیشینه کردن خالص ارزش فعلی سرمایه‌گذارها می‌داند، همخوانی دارد.

کارکردهای کنترلی مدیریت مالی

دستیابی به کارکردهای کنترلی مدیریت مالی ایجاب می‌کند که مؤسسه‌ها اطمینان داشته باشند که استفاده از وجوه در تمامی سطوح فعالیت کنترول می‌شود. آشکار است که ضابطه‌های کنترول در سطوح مختلف استراتژیکی، تاکتیکی و اجرایی متفاوت است؛ انواع کنترول در هر یک از سطوحی یاد شده را در زیر برمی‌شماریم:

در سطح استراتژیکی:

تاکید بیشتر در این سطح بر آن است که مؤسسه به کدام رشته فعالیت بازرگانی روی آورد، چه محصولی را تولید کند و در کدام بازار فعالیت داشته باشد و...

در سطح تاکتیکی:

در این سطح مسائلی مانند این که فعالیت‌های پیشبینی شده چگونه باید انجام شوند و به طور تفصیلی مسائلی از قبیل اینکه قیمت فروش محصول چقدر یا میزان موجودیهای جنسی چه میزان و یا تعداد نیروی انسانی چند نفر باشد بررسی می‌شود.

ورق بزیند

در سطح اجرایی:

در این سطح انجام کارها مورد توجه قرار می‌گیرد و به اموری مانند چگونگی سفارش مواد اولیه، فراوری کالا از مواد و نحوه تحویل کالا به مشتریان پرداخته می‌شود.

افزون بر آنچه گفته شد، در زمان حاضر مؤسسه‌های اقتصادی ناگزیرند برای سازگاری با تحولات سریع بازار، سیستمهای کنترلی خود را در هر سطح افزایش دهند. آنها باید چگونگی انجام فعاليتها را به دقت زیر نظر داشته باشند و از مکانیسمهایی مانند بررسیهای دوره‌ای استراتژیک، بودجه، هزینه‌یابی استاندارد و... بهره‌گیرند.

افزون بر ضابطه‌های کنترلی مالی یاد شده در بالا، می‌توان از ضابطه‌های کنترلی مربوط به هر فعالیت نیز یاد کرد؛ مانند:

— سیستمهای پشتیبان تصمیمگیری^۱ که گزینه‌یابی از میان بدیل‌های مختلف را امکانپذیر می‌سازد.

— سیستمهای پیشینی^۲ که بردوگونه‌اند:

— پیشبینی روابط مانند رابطه حجم تولید با فعالیت با قیمت یا رابطه هزینه و حجم تولید با فعالیت و...

— پیشینی نتایج مورد انتظار از تصمیمگیرها.

— سیستمهای بازبینی^۳: که نه تنها اطلاعات کافی در زمینه رویدادهای درون مؤسسه، بلکه اطلاعات مورد نیاز از خارج مؤسسه را نیز فراهم می‌آورند.

ایفای وظایف کنترل، سرانجام از راه مقایسه آنچه دارد روی می‌دهد با پیشینی‌های انجام شده مربوط به تصمیمگیرها تحقق می‌یابد. این مقایسه به علاوه یافته‌هایی را به دست می‌دهد که باریگر تصمیمگیرهای آینده و تکمیل مراحل کنترلی است.

در عمل، شالوده‌ طبقه‌بندی انواع کنترل در بخشها و فعاليتهاي مربوط شکل می‌گیرد و اهمیت نسبی هر یک در هر مؤسسه یا به طور کلی در مؤسسات به نسبت همانند، به ماهیت فعاليتهاي تجاری مؤسسه و شرایط بازاریابی که در آن فعالیت می‌کنند بستگی دارد. با این حال گونه‌های فراگیری به شرح زیر بازشناختنی است:

— کنترل سرمایه‌گذارها در داراییهای ثابت

— کنترل سرمایه‌گذارها در داراییهای جاری

— کنترل سرمایه‌گذاری در داراییهای نامشهود؛ که از نظر این نوشتار، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های پژوهشی، توسعه، بازاریابی و آموزش و اطلاعات مربوط به شرکتهای را دربرمی‌گیرد؛ سرمایه‌گذارهایی که به دلیل تحولات سریع در تکنولوژی و بازار ضرورت پیدا کرده‌اند. کنترل این گونه سرمایه‌گذارها به دلیل نوع — ویژه بودن آنها، به روشهای ویژه نیاز دارد و افزون بر این از اهمیت درخور توجهی نیز برخوردار است.

— کنترل هزینه‌ها؛ که چون طبقه‌بندیهای آنها در

چارچوب حسابداری سنتی برای کنترل‌های مالی سودمند نیست، از ضابطه‌هایی مانند بررسی حجم فعاليتها با هزینه‌های هر جزء فعالیت مانند فعاليتهاي زیربهره می‌گیرد:

(۱). ترویج و شناساندن محصولات، مانند هزینه تبلیغات.

(۲). فعاليتهاي پشتیبانی مصرف همچون هزینه خدمات پس از فروش.

(۳). پشتیبانی تولید مانند هزینه‌های تعمیر و نگهداری.

(۴). مصرف موجودها که میزان آنها متناسب با تغییرات حجم تولید، تغییر می‌کند، مانند هزینه مواد.

(۵). تعیین بهای فروش.

(۶). اعمال مدیریت بر معاملات ارزی.

آشکاراست که ساختار کنترلهای بر حسب نیازهای هر مؤسسه تکوین می‌یابد و پایه‌ریزی آن از مهارتهای کلیدی حسابداران مدیریت در صنایع کنونی است.

نمودار تفاوت‌های بین حسابداری و مدیریت مالی

حسابداری	مدیریت مالی
ویژگیهایی که تنها به کار حسابداری نمی‌آیند	ویژگیهایی که تنها به کار مدیران مالی نمی‌آیند
نگرش به گذشته:	نگرش به آینده:
از طریق رسیدگی	از طریق قضاوت.
تحقق یافته	امکانپذیر
مشهود	نامشهود
نگرش به درون مؤسسه:	نگرش به بیرون مؤسسه:
عینی	ذهنی
بهای تمام شده	ارزش
حفظ سرمایه	بازده مناسب
ایستایی:	پویایی:
مؤردي	مداوم
کوتاهمدت	درازمدت
سود / دارایی	جریانهای نقد

1. Decision Support Systems
2. Forecasting Systems.
3. Monitoring Systems.

دنباله بحران نرخ ارز در ایران

جهت صادرات وحتى پرداخت سوید بابت آن از اقدامات بسیار خوب درجهت توسعه صادرات است و بدون آن صادرات هیچگاه گسترش نخواهد یافت. با این حال می باید این قبیل امور به شکل آگاهانه انجام پذیرد.

یکی دیگر از مسائلی که سیستم کنونی خرید برای وارد کنندگان، بویژه صاحبان صنایع ایجاد کرده است، کندی حرکتی است که به گشایش اعتبار می انجامد. به این جهت و از آنجا که صاحبان صنایع از آینده اطمینان کمتری داشته اند ناگزیرند که فرضاً در سال فقط یک بار به گشایش اعتبار و خرید دست بزنند. این امر باعث می شود که حجم وجوهی که برای گشایش اعتبار لازم است بسیار زیاد باشد. اگرچه در خریدهای عمده می توان تخفیفات بهتری گرفت، اما هنگامی که خریده از حجم درخور توجهی بیشتر باشد، تولید کننده توان انجام آن را نخواهد داشت و لذا دیگر تخفیفی قائل نخواهد شد و نیز چون از تداوم این قبیل سفارشها در آینده و در چنین حجمی مطمئن نیست، لزوماً نمی توان انتظار داشت که خریدهای عمده همیشه تخفیفهای عمده ای دربر داشته باشد.

از سویی دیگر چون همیشه حجم خرید بسیار زیاد و فرضاً معادل مصرف یک سال است، لذا لازم است شرکتها به تناسب، سرمایه گذاری هنگفتی روی موجودی انبار، ساختمان و تجهیزات انباری و غیره داشته باشند. همچنین برای تأمین مالی این خریدها اعتبار درخور توجهی از بانکها بگیرند. در صورتی که چنانچه روند خریدها تسهیل شود و مثلاً شرکتها این امکان را پیدا کنند که هر سه ماه یک بار به این امر بپردازند منافع بسیاری از این بابت متصور خواهد بود. از جمله نیاز شرکتها برای کسب اعتبار از سیستم بانکی کاهش می یابد، حجم سرمایه در گردش لازم جهت موجودیها کاهش می پذیرد، نیاز شرکت به تاسیسات و امکانات انبار کاسته می شود، زمانی که تولید کنندگان خارجی از تداوم روابط تجاری اطمینان یابند تخفیفات بیشتری قائل می شوند و از همه مهمتر نیاز مملکت به ارز برای واردات کاسته می شود.

در پایان از آنجا که به نظر می رسد اقتصاد و سیستم ارزی به سوی تک نرخی شدن پیش می رود در این راستا آنچه مهم است اقدامات آگاهانه ای است که از فشار این جریان بر روی قشرهای آسیب پذیر جامعه و نیز کل اقتصاد بکاهد. همچنین می باید مراقب بود که تک نرخی شدن به دور باطل کاهش مداوم نرخ ارز و تورمی که از این راه نتیجه می شود نینجامد. ●

بیش از پیش و شدید مصرف و تقاضا در بازار و رکود گسترده تر در بخش تولید می شود. چنانکه در شرایطی که کمتر از ۳۰ درصد از پرداختهای ارزی کشور با نرخهای تضعیف شده رقابتی و شناور انجام شده، افزایش قیمت عمده فروشی کالاهای وارداتی در دوره دوساله منتهی به تیرماه ۱۳۷۱ به بیش از ۶۰ درصد رسیده است و این میزان افزایش، تنها تأثیر اولیه و مستقیم گران شدن ارزش ارز را بر کالاهای وارداتی نشان می دهد، در حالی که تأثیر نهایی آن به مراتب بیشتر است. در نتیجه چنانچه قرار باشد تمام پرداختها با نرخ رقابتی صورت گیرد، احتمال می رود افزایش اولیه قیمت عمده فروشی کالاهای وارداتی از مرز ۲۰۰ درصد بگذرد و چنانچه به دلیل عدم کفایت منابع ارزی، مؤسسه های تولیدی مجاز به استفاده از معاملات بوزانس با نرخ شناور باشند، دامنه افزایش قیمت کالاهای وارداتی به مراتب گسترده تر خواهد شد و بدین ترتیب کمبود نقدینه دامنه گسترده تری خواهد یافت که رکود چشمگیر مبادلات در اقتصاد را به دنبال دارد. افزون بر این تقاضا برای منابع نقدی با به بیان دیگر نیاز به اعتبارات بانکی افزایش درخور توجهی خواهد داشت. بویژه این وضع تنها شامل بخش غیردولتی نمی شود، بلکه به طرز چشمگیری بخش دولتی را نیز در بر می گیرد. چنانکه در زمان حاضر نیز ۹۰ درصد داراییهای بانک مرکزی را بدهیهای دولتی تشکیل می دهد. آشکار است که تحقق این رویدادها، سرانجام به بالا رفتن هزینه دریافت اعتبار از سیستم بانکی خواهد انجامید.

در شرایط یاد شده بحران کمبود نقد از چند سوی دیگر نیز تشدید خواهد شد؛ افزایش تورم و بهای کالاهای اساسی به افزایش دستمزدها و سایر هزینه های تولید می انجامد و سبب خارج شدن بسیاری از مؤسسات اقتصادی از صحنه فعالیت می شود. افزون بر این در لایحه بودجه سال ۱۳۷۲ افزایشی برابر ۴۰ درصد در میزان درآمدهای مالیاتی نسبت به سال قبل (۱۳۷۱) پیشبینی شده که ۶۰ درصد آن به مالیات بردارآمد شرکتها و واردات اختصاص دارد. پیامد دیگر چنین وضعی، انجام نشدن سرمایه گذاریهای زیربنایی یا دست کم به تعویق افتادن آنهاست.

بهرحال کشور با چنین گستره پهنواری از دشواری و بحران روبه روست که راه رها شدن از آن نیز چندان، یا هرگز، آسان نیست. بازرگانی خارجی ما به شدت تک محصولی و وابسته به بازارهای بین المللی است چنان که تحرک و تصمیم گیریهای ما در آن تأثیر تعیین کننده ای ندارد. صادرات غیرنفتی کشور نیز دست کم تاکنون در حدی نبوده که درآمد ارزی درخور توجهی عاید مملکت کند. در نتیجه به نظر می رسد تنها راه تعدیل این بحران، ارتقای سطح کارایی فعالیتهاست. در حالی که روند سالهای اخیر به استناد اطلاعات گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور، وضع را از نظر کارایی دست کم در مورد ۲۶۰ شرکت دولتی ۱۰ بانک و ۲ مؤسسه وابسته به دولت، که درآمد و هزینه آنها در بودجه کل کشور منظور شده، اسفبار توصیف می کند. بدین ترتیب که ارقام بودجه ای مربوط به ۲۷۲ شرکت دولتی که بودجه آنها در بودجه سال ۱۳۶۹ کل کشور پیشبینی شده است، ۵/۴۳۱ میلیارد ریال به عنوان درآمد، ۵/۵۹۵ میلیارد ریال به عنوان هزینه و در نتیجه ۱۶۴ میلیارد ریال زیان نشان می دهد. در حالی که در عمل ۱۲۷ شرکت از شرکتهای یاد شده که صورتهای مالی خود را در زمانهای مقرر تهیه کرده اند، بر طبق ارقام گزارشهای حسابرسی ۱/۹۱۴ میلیارد ریال درآمد، ۲/۰۴۸ میلیارد ریال هزینه و ۱۳۴ میلیارد ریال زیان داشته اند. در حالی که زیان اقتصادی منابع اقتصادی به کار گرفته شده در فعالیتهای مربوط به مؤسسه های یاد شده به میزان درخور توجهی از زیان حسابداری این گونه مؤسسه ها افزونتر است.

آشکار است هدف ما از کوشش در ارائه تصویر بسیار نامطلوب بالا و تاکید بر بحرانی بودن وضعیت یاد شده و تکرار آن در این نوشتار، ایجاد تشویش، نگرانی یا بدبینی نیست. بلکه هدف به دست دادن تصویر وضعیت موجود اقتصاد و هشدار به مسئولان، کارگزاران کارشناسان، متخصصان و مدیران مؤسسات اقتصادی برای اقدام جدی و پیگیر به منظور رویارویی با بحران است. تاکید ما در تشریح گستره بحران کنونی اقتصاد ایران از آنجا سرچشمه می گیرد که برنامه ریزی جامع، قاطع و گسترده ای برای پشت سر گذاشتن آن به چشم نمی خورد و نزدیک به بیشتر ایام، توجه جامعه به جهاتی سوق پیدا می کند که حتی به رغم اهمیت نسبی آن، از اولویت درجه اول برخوردار نیست.

برای رهایی از این مرحله بیش از هر چیز به ایمان، امید و تلاش بیوقفه و بسیج و هشیاری همگانی نیاز است. ●

تهیه و تحلیل نسبت‌های صورت گردش نقدی*

نوشته: چارلز ا.

کارسلا و جان آر. میلز

ترجمه: احمد سلیمی

مؤسسات در یک دوره مالی توصیف می‌کند. افزون بر این پیشنهاد می‌کند که صورت یادشده به وسیله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان در زمینه ارزیابی‌های برشمرده در زیر، به کار رود:

- توانایی مؤسسه در زمینه ایجاد جریانهای نقدی خالص مثبت درآینده
 - توانایی مؤسسه در زمینه ایفای تعهدات، پرداخت سود سهام و تأمین نیازهای مالی مؤسسه از خارج مؤسسه.
 - توجیه علل اختلاف بین سود خالص دریافتی و پرداختهای نقدی.
 - اثر سرمایه‌گذارهای نقدی و غیرنقدی و مبادلات تأمین مالی بر وضعیت مالی مؤسسه.
- اطلاعات جریانهای نقدی به‌رغم سودمند بودن، به‌طور معمول مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. دلیل این امر نیز آن است که دنیای تجارت داده‌های در دسترس را به اندازه کافی بررسی و تحلیل نمی‌کند. از میان برداشتن این نارسائی نیز به توسعه ابزارهای

اطلاعات مربوط، برای استفاده‌کنندگان از این صورتهای کارآمد باشد. به‌نظر تهیه‌کنندگان این مقاله، نسبتهای صورت گردش نقدی، چنانکه در متن مقاله به تشریح آنها پرداخته‌اند همراه با نسبتهای سنتی ترازنامه و سود و زیان بناقاعده به استفاده‌کنندگان در زمینه برداشت دقیقتری از وضعیت نقدی مؤسسه‌های اقتصادی باری موثری خواهد کرد.

هدف

هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۳ در بیانیه شماره ۹۵ خود به تاریخ نوامبر ۱۹۸۷، هدف اصلی از تهیه صورت گردش نقدی را فراوری اطلاعات مربوط به دریافتها و پرداختهای نقدی

مدت ۲ سال است^۱ که «صورت گردش نقدی^۲» در شمار صورتهای مالی سالانه شناخته شده است و اگرچه از زمان پیشنهاد الزامی شدن آن در سال ۱۹۸۶ از حمایت درخور توجهی برخوردار شده، اما تاکنون کاربردها یا تحلیل‌پذیری اطلاعات آن به اندازه کافی بررسی نشده است. از این رو نویسندگان مقاله حاضر بدین وسیله نسبتهایی را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند در زمینه تحلیل

* نقل از: Journal of Accountancy, November 1991.

۱. ذکر مدت ۲ سال به زمان نگارش مقاله اشاره دارد.

2. Cash Flow Statement

3. Financial Accounting Standard Board (FASB).

4. FASB Statement No. 95.

سی نیاز دارد که مقایسه وضعیت مؤسسات را در سال با سالهای قبل و با سایر مؤسسات امکانپذیر زد.

گفتنی است که گرچه این نوشتار تنها بررسی نسبتهای صورت جریان نقدی را مورد توجه قرار ده، اما بر تحلیل روند و ارزیابی نسبتهای تهیه شده در زمینه تحلیل صورتهای مالی تهیه شده بنیای مفهوم تعهدی^۵ نیز به همان اندازه تاکید میکند.

حتموا

صورت گردش نقدی افشای جریانهای نقدی را سه زمینه: وجه نقد حاصل از عملیات، مایه گذاری و تأمین مالی ضروری می شمارد. اما هرغم اهمیت جریانهای نقدی حاصل از مایه گذاری و تأمین مالی، به نظر می رسد از میان جریان یادشده، جریان نقدی حاصل از عملیات مهمتر است و باید به طور موشکافانه تری بررسی شود. زبون بر این زمانی که جریان نقدی حاصل از عملیات رقم تعیین کننده ای است، تأثیر مبادلات بر عادی مانند رویدادهای غیرعادی و یا اقلام غیر قبه باید با دقت کافی مورد توجه قرار گیرد. بویژه ننانچه از نسبتهای صورت گردش نقدی برای سنجی جریانهای نقدی آینده استفاده شود، در نظر گرفتن ویژگیهای اقلام پیشگفته می تواند به تحریف ارزیابیهای صورت گردش نقدی و گمراهی مایه گذاران بالقوه بجنجامد. به عنوان مثال چنانچه مبادلاتی که تنها یک بار روی داده است، در رانهای نقدی حاصل از عملیات منظور شود، کاراکار مشکل یادشده را پدید خواهد آورد.

نکنه درخور توجه این است که جریان نقدی حاصل از عملیات درست مانند درآمد حاصل از عملیات می تواند از رویدادهای گوناگون و گاه بر متداول سر چشمه گرفته باشد. از این رو در تحلیل نسبتهای صورت گردش نقدی باید جریانهای نقدی حاصل از عملیات مورد توجه خاص قرار گیرد. از رو در این مقاله نیز در زمینه تحلیل نسبتها، گردش نقدی حاصل از عملیات با توجه به مطالب پیشگفته بریح شده است.

جدول شماره (۱)

وجه نقد حاصل از عملیات قبل از کسر بهره و مالیات

بهره

وجه نقد حاصل از عملیات پس از کسر سود سهام

بدهی

وجه نقد حاصل از عملیات پس از کسر سود سهام ممتاز

سود سهام عادی

وجه نقد حاصل از عملیات

کل سود سهام

ارزیابی توانایی پرداخت بدهی و ایجاد نقدینگی

یکی از هدفهای بیانیه شماره ۹۵ ارزیابی توانایی مؤسسه برای ایفای تعهدات و پرداخت سود سهام است. تحلیل صورت گردش نقدی نیز باید آشکار کند که آیا مؤسسه مورد بررسی توانایی ایجاد وجه نقد کافی در زمینه های بر شمرده بالا را دارد یا نه. نسبتهای جریان نقدی که به این منظور توصیه شده، نسبت پوشش بهره نقدی^۶، پوشش بدهی نقدی^۷ و نسبت پوشش سود سهام نقدی^۸ است که نحوه محاسبه آن در جدول شماره (۱) نشان داده شده است:

پوشش بهره نقدی

نسبت پوشش بهره نقدی مکمل نسبت پوشش بهره سنتی است. این نسبت تعداد دفعاتی را که جریانهای نقدی حاصل از عملیات، جریانهای نقدی

6. Cash interest coverage ratio

7. Cash debt coverage ratio

8. Cash divided coverage ratio

5. Accrual-based

بهره را پوشش می دهند به سرمایه گذاران نشان می دهد. این نسبت زمانی که با استانداردهای متداول سایر مؤسسات مقایسه شود، وضعیت نقدینگی شرکت و توانایی آن برای ایفای تعهدات مربوط به بهره وامها و مانند آن را آشکار می کند. نسبت یادشده همچنین به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان رهنمود می دهد که مؤسسه تا چه میزان می تواند نقدینگی خود را کاهش دهد بدون آن که در پرداخت تعهدات مربوط به بهره با مخاطره روبه روشود.

نسبت پوشش بهره سنتی که از ترازنامه های تهیه شده بر مبنای تعهدی به دست می آید، نتیجه تقسیم سود مؤسسه قبل از کسر بهره و مالیات بر هزینه بهره شرکت است. در نتیجه چون سود مؤسسات که بر مبنای تعهدی محاسبه می شود، اقلام غیر نقدی مانند کاهش ارزش داراییها یا سود حاصل از فروش داراییهای عملیاتی را در بر می گیرند، ممکن است به طور واضح توانایی مؤسسه را برای پرداختهای واقعی بهره نشان ندهد از این رو آشکار است که حاصل تقسیم وجه نقد حاصل از عملیات پس از کسر بهره و مالیات بر بهره پرداخت شده، معیار بهتری را برای ارزیابی مورد نظر به دست خواهد داد. افزون بر این بیانیه شماره ۹۵ با الزامی دانستن افشای جدا گانه جریانهای نقدی بهره و مالیات، ورق بزنید

انجام تعدیل یادشده را امکانپذیرتر کرده است. متأسفانه تعدادی از مؤسسه‌ها جریانهای نقدی پس از کسربهره منظور شده در داراییها را نشان می‌دهند که این کار سبب می‌شود جریانهای نقدی واقعی مربوط به هزینه‌های بهره را کمتر از واقعیت آن نشان دهد. بنابراین ضروری است که اقلام افشا شده در یادداشتها برای آشکارسازی تعدیلهای ضروری به دقت ارزیابی شوند.

پوشش بدهی نقدی

توانایی مؤسسات برای تداوم فعالیتشان افزون بر توانایی آنها به پرداخت بهره‌های جاری، به باز پرداخت اصل بدهی آنها نیز بستگی دارد. بانکها برای اندازه گیری توانایی باز پرداخت بدهیهای مؤسسات از دوگونه نسبت بهره می‌گیرند، که یکی از این دو، نسبت جریانهای نقدی عملیاتی انباشته به جمع بدهیها و دیگری نسبت جریانهای نقدی عملیاتی انباشته به حصه جاری بدهیهاست^۹. جریانهای نقدی عملیاتی انباشته، وجه نقد در دسترس برای سرمایه گذاری مجدد را که از عملیات حاصل شده باشد به دست می‌دهد و به طور معمول از جریانهای نقدی حاصل از عملیات پس از کسر تمامی سود سهام پرداخت شده به دست می‌آید. نسبتهای ذکر شده دوره زمانی مورد نیاز برای فراغت مؤسسه از تعهداتش را نیز که با به کارگیری جریانهای نقدی انباشته حاصل از عملیات امکانپذیر است آشکار می‌سازد. نسبت اول تمامی بدهی مؤسسه را در نظر می‌گیرد و در نتیجه تعداد سالهای لازم را برای آنکه جریانهای نقدی جاری از عهده ایفای کامل تعهدات مؤسسه برآید نشان می‌دهد و نسبت دوم بیانگر آن است که جریانهای نقدی انباشته عملیاتی برای پرداخت حصه جاری بدهیهای درازمدت کافی است یا نه؟

گزینه (= بدیل) دیگری برای نسبتهای یادشده بالا افزودن میزان وجه نقد موجود و شبه نقد به جریانهای نقدی عملیاتی انباشته در محاسبات مربوط است. تغییرات دیگری نیز که می‌تواند در عوامل محاسبات مربوط به نسبتهای پوشش بدهی

9. Ratio of retained operating cash flow.

10. Current maturities of debt

نقدی انجام گیرد، افزون بدهیهای جاری یا سایر تعهدات ثابت مانند تعهدات مربوط به اجاره‌های درازمدت به جمع بدهیها در محاسبات نسبتهاست. به هر حال ترکیبهای پرشماری از جریانهای نقدی یا جمع بدهیها را می‌توان در نظر گرفت که هریک از نظرگاه ویژه‌ای به توانایی شرکت در ایفای تعهدات آینده می‌نگرد. منتها دستیابی به گویاترین و کارآترین نسبت به توافق و پذیرش جامعه حرفه‌ای نیاز دارد.

پوشش سود سهام نقدی

نسبت پوشش سود سهام نقدی بیانگر میزان توانایی مؤسسه برای پرداخت سود سهام از محل جریانهای نقدی عملیات عادی است. این نسبت از تقسیم جریانهای نقدی حاصل از عملیات برکل پرداختهای سود سهام به دست می‌آید. افزون بر این استفاده از این نسبت برای ارزیابی توانایی مؤسسه به منظور پرداخت به هر گروه از سهام، دربرگیرنده سود سهام عادی، سود سهام ممتاز و سود سهام سهامداران اقلیت در شرکتها با کسر مبالغ سود مربوط به هر گروه از جریان نقدی حاصل از عملیات امکانپذیر می‌شود.

برداشتهای متفاوتی از مفهوم پرداخت سود سهام می‌تواند وجود داشته باشد که نوع آن به این که پوشش سود سهام براساس توانایی شرکت برای پرداخت سود سهام جاری باشد یا آینده، بستگی دارد. به عنوان مثال چنانچه شرکتی از سیاست ثبات نسبی تقسیم سود سهام پیروی کند و افزایش درخور توجهی در سود سهام پرداختی نداشته باشد، مبلغ سود سهام پرداختی که در صورت گردش نقدی نشان داده می‌شود با اطمینان بیشتری نسبت به ثبات نسبی آن در آینده قابل استفاده است، درحالی که چنانچه سود سهام شرکتی در سالهای مختلف روندی افزایشی و به طور منظم روبه رشد داشته باشد، سود سهام نشان داده شده در صورت گردش نقدی در هر سال باید به عنوان مبلغی تغییر پذیر در آینده به شمار آید.

کیفیت سود

یکی از کارکردهایی که بیانیه شماره ۹۵ برای الزامی دانستن تهیه صورت گردش نقدی برشمرده این است که این صورت به استفاده کنندگان در توجیه علل اختلاف بین سود خالص و دریافتها و

جدول شماره (۲)

وجه نقد حاصل از فروش

کیفیت فروش:

فروش

وجه نقد حاصل از عملیات

کیفیت سود:

سود عملیاتی

وجه نقد حاصل از عملیات قبل از کسربهره و مالیات

سود قبل از کسربهره، مالیات و استهلاک



وجه نقد حاصل از عملیات قبل از کسر بهره و مالیات بر سود قبل از کسر بهره، مالیات و استهلاك به دست می آید. این نسبت، اقلام غیرنقدی اصلی (استهلاك و مالیاتهای انتقالی) در صورت حساب سود و زیان را از محاسبات حذف می کند و به تقریب بیشتری از وجه نقد مربوط به سود حاصل از عملیات عادی می رسد. بدین ترتیب هرگونه انحراف اساسی از نسبت یک به یک به طور طبیعی تحلیلگران را به بررسی وضعیت غیرعادی راهبر می شود.

مخارج سرمایه ای

دستیابی شرکتها به برتری در عرصه رقابت به توانایی آنها در نگهداری داراییهای سرمایه ای آن شرکت بستگی دارد. بنابراین توانایی ایجاد وجه نقد در شرکتها نه تنها باید در حدی باشد که ایفای تعهدات مؤسسه را امکانپذیر سازد، بلکه باید بتواند منابع مالی کافی برای تأمین مخارج سرمایه ای نیز فراهم آورد. از این رو تحلیلگران مالی همواره در پی آنند که توانایی شرکتها را در زمینه تأمین مخارج سرمایه ای ارزیابی کنند.

بیانیه شماره ۹۵ نیز افشای جداگانه مخارج نقدی برای اموال، ماشین آلات و تجهیزات و جریانهای نقدی ورودی حاصل از واگذاری آنها را الزامی می داند. البته اطلاعات مربوط به کل مخارج سرمایه ای در اجرای بیانیه شماره ۱۴ هیئت استانداردهای حسابداری^{۱۱} از طریق اطلاعات گزارشگری مالی برای قسمتهایی از واحد تجاری به دست می آید. به هر حال در صورت داشتن این گونه اطلاعات، محاسبه نسبتهایی که بتواند توانایی تأمین مالی مخارج سرمایه ای از منابع داخلی را نشان دهند، امکانپذیر است. این نسبتها در جدول شماره ۳ نشان داده شده است:

نسبت تحصیل سرمایه:

نسبت تحصیل سرمایه بیانگر توانایی شرکتها در تأمین مالی مخارج سرمایه ای از منابع داخل مؤسسه است و از تقسیم جریانهای نقدی عملیاتی انباشته بر ورق بزیند

11. FASB Statement No. 95.

به طور معمول در دسترس کسانی قرار می گیرد که به آسانی به اطلاعات تفصیلی دسترس داشته باشند و تحلیلگران خارج از سازمان مانند سرمایه گذاران و اعتباردهندگان به دلیل آن که به اطلاعات تفصیلی دسترس ندارند، ناگزیر تنها از نتایج تأثیر آنها که در نسبتها منعکس می شوند، بهره می گیرند یا به بیان دیگر ناگزیر از استفاده از روش غیرمستقیم هستند، افزون بر اینکه تعدادی اندک شمار از شرکتها روش مستقیم را به کار می گیرند.

کیفیت سود:

ارزیابی کیفیت سود با استفاده از نسبتی به همین نام انجام می شود که به وسیله آن وجوه نقد حاصل از عملیات با سود عملیاتی مقایسه می شود. هدف از محاسبه این نسبت بررسی اختلاف بین جریانهای نقدی و سود گزارش شده است. سود گزارش شده در بسیاری از موارد درآمدهایی مانند درآمد فروش اقساطی یا هزینه هایی مانند استهلاك را در برمی گیرد که تأثیر نقدی جاری ندارند و می توانند اختلافهایی اساسی میان جریانهای نقدی و سود، که با عنوان انحراف غیرعادی در نسبت مربوط شناخته می شود، پدید آورند. گونه دیگری از نسبت کیفیت سود، از تقسیم

پرداختهای نقدی به استفاده کنندگان یاری خواهد داد. یافته های این گونه بررسی مبنایی برای ارزیابی کیفیت سود مؤسسه فراهم می آورد. اندازه گیری جریانهای نقدی نسبت به اندازه گیری سود، قابل اتکا و عینی تر است چرا که ارزیابی سود به میزان درخور توجهی بستگی به قضاوت درباره تحقق، تخصیص و اندازه گیری دارد. نسبتهایی که می توانند در ارزیابی کیفیت سود مورد استفاده قرار گیرد، نسبتهای کیفیت نقدی فروش و کیفیت نقدی درآمد است، که نحوه محاسبه هریک در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

کیفیت فروش:

بیانیه شماره ۹۵ به نحو اکید استفاده از روش مستقیم را که در آن جریانهای نقدی مربوط به هر یک از اقلام صورت حساب سود و زیان مانند فروش ناخالص، بهای تمام شده کالای فروش رفته یا حتی جمع هزینه های عملیاتی مورد ارزیابی قرار می گیرند، برای افشای اطلاعات جریانهای نقدی پیشنهاد می کند. اما به هر حال به شرکتها اجازه داده است که روش مستقیم یا غیرمستقیم را انتخاب کنند و در عمل نیز بیشتر به روش غیرمستقیم توجه دارد. بویژه آنکه اطلاعات برشمرده بالا که در روش مستقیم

وجه نقد حاصل از عملیات - کل سود سهام

نسبت تحویل سرمایه:

وجه نقد پرداخت شده برای تحصیل داراییها

خالص جریانهای نقدی برای سرمایه گذاری

سرمایه گذاری/تأمین مالی:

خالص جریانهای نقدی حاصل از تأمین مالی

خالص جریانهای نقدی برای سرمایه گذاری

خالص جریانهای نقدی حاصل از عملیات و تأمین مالی

نسبت سرمایه گذاری به تأمین مالی:

ارتباط درونی خالص جریانهای نقدی عملیاتی و جریانهای نقدی سرمایه گذاری و تأمین مالی می تواند بیانگر چگونگی تأمین مالی سرمایه گذاریها باشد. نسبت سرمایه گذاری به تأمین مالی، تمامی منابع مالی مورد نیاز سرمایه گذاری را با منابع تأمین مالی مقایسه می کند. گزینه دیگری برای دستیابی به این گونه یافته ها، مقایسه جریانهای نقدی سرمایه گذاری با فعالیتهای تأمین مالی و عملیاتی است. که البته چون این گونه نسبتها با نوسانهای فراوانی روبه روست، دستیابی به نتایج معنی دار تنها از راه محاسبه میانگین افلام با داشته در یک دوره چند ساله امکان پذیر است.

بازده جریانهای نقدی:

نسبتهای جریان نقدی می توانند بازده داراییها را نیز منعکس کنند. توانایی ایجاد وجه نقد در شرکتها رابطه نزدیکی با سودآوری و بازده بالقوه پرداختی به سرمایه گذاران دارد. بنابراین جریانهای نقدی گذشته ممکن است نشانه ای از توانایی شرکتها برای ایجاد جریانهای نقدی آینده باشد.

نسبت بازده جریانهای نقدی به سرمایه گذارها، مانند معیارهای سودآوری بر مبنای تعهدی محاسبه می شود. افزون بر این چنانکه در جدول شماره ۴ نشان داده شده است، نسبتهای پیشنهادی این بخش می تواند بازده هر سهم را نیز نشان دهد.

با توجه به این که نسبتهای بازده جریانهای نقدی جدول شماره ۴ همانندی به نسبت درخور توجهی با نسبتهای سودآوری بر مبنای تعهدی دارند، باید با احتیاط از آنها استفاده کرد. به علاوه این گونه نسبتها ذخیره های پیشینی شده برای جایگزینی داراییها یا تعهدات آینده را در برنمی گیرد. و این ویژگی یافته های نسبتهای یاد شده را با داده های نسبتهای سودآوری بر مبنای تعهدی که در برگزیده ذخیره

این گونه وجه باید در ردیف جریانهای نقد حاصل از عملیات طبقه بندی شود.

تدارک داراییهای سرمایه ای اصلی مؤسسات به طور کلی از طریق تأمین مالی انجام می شود. از این رو تأثیر فوری بر جریانهای خروجی ندارد. در نتیجه ممکن است جریانهای نقدی مخارج سرمایه ای از هر سال نسبت به سالهای دیگر تغییر چشمگیری داشته باشد.

جریانهای نقدی خروجی آینده برای تهیه داراییهای سرمایه ای به صورت باز پرداخت بدهی نمود پیدا می کند و با عنوان فعالیتهای تأمین مالی طبقه بندی می شود. افزون بر این ممکن است جریان نقدی مربوط به تصمیم گیریهایی که برای خرید داراییهای سرمایه ای ایجاد می شود، هیچگاه در قالب فعالیتهای سرمایه گذاری ظاهر نشود. بویژه زمانی که مقایسه جریانهای نقدی خروجی جاری برای دستیابی به سرمایه با وجه نقد عملیاتی از کفایت جریانهای نقدی بدهی در کوتاهمدت حکایت

می کند، مقایسه جریانهای نقدی عملیاتی با متوسط مخارج سرمایه ای ناخالص در یک دوره چند ساله تصویر گویاتری را به دست می دهد.

خریدهای سرمایه ای به دست می آید. جریانهای نقدی عملیاتی انباشته در این رابطه، جریانهای نقدی انباشته بعد از پرداختهای سود سهام را در برمی گیرد، حتی چنانچه قرار نباشد سود سهامی پرداخت شود، با این فرض که اگر شرکت در گذشته سود سهام پرداخت کرده باشد، در آینده نیز پرداخت آن ادامه خواهد داشت. بنابراین سود سهام پرداخت شده از وجه نقد حاصل از عملیات کسرمی شود. دشواری محاسبه این نسبت تدقیق مخارج سرمایه ای است. زیرا مخارج سرمایه ای می تواند به مخارج مربوط به جایگزینی اموال و ماشین آلات و تجهیزات برای حجم عادی و کنونی فعالیتها اطلاق شود یا خرید اموال، ماشین آلات و تجهیزات جدید برای گسترش فعالیتها را نیز در برگیرد. ضمن آن که به هر حال تمام مخارج توسعه و جایگزینی از طریق جریانهای نقدی حاصل از عملیات تأمین مالی می شوند.

مسئله دیگر در این زمینه این است که با رویداد و گذاری سرمایه چگونه باید روبه روشد. آیا باید وجه نقد حاصل از این رویداد را به جریانهای نقدی انباشته افزود یا آن که این گونه مبالغ را برای جبران مخارج سرمایه ای در نظر گرفت. بویژه آن که واگذاری سرمایه با هدف حفظ و دستیابی بازده رضایتبخش و مورد انتظار انجام می شود. از این رو



جدول شماره (۴):

جریان نقدی حاصل از عملیات - سود سهام ممتاز

جریان نقدی هر سهم:

میانگین موزون سهام عادی

جریان نقدی حاصل از عملیات قبل از کسر بهره و مالیات

بازدهی نقدی داراییها:

کل داراییها

جریان نقدی حاصل از عملیات

بازدهی نقدی بدهی و:
حقوق صاحبان سهام

حقوق صاحبان سهام و بدهی

جریان نقدی حاصل از عملیات

بازده نقدی حقوق:
صاحبان سهام

حقوق صاحبان سهام

تنها باید در ارتباط با معیارهای دیگر سودآوری مورد استفاده قرار گیرد. هیئت استانداردهای حسابداری مالی نیز گزارشگری جریان نقدی آحاد سهام را در شمار اطلاعات صورتهای مالی ممنوع کرده است. البته با این حال نسبت جریان نقدی هر سهم نسبتی است که تحلیلگران مالی بارها آن را به کار می‌برند.

جریان نقدی هر سهم:

جریان نقدی هر سهم از تقسیم وجه نقد در دسترس سهامداران عادی بر میانگین موزون تعداد سهام عادی به دست می‌آید و با احتیاط می‌توان گفت که دارای محتوای اطلاعاتی است. زیرا که نشان‌دهنده جریان نقدی عملیاتی مرتبط با هر سهم عادی است سرمایه‌گذاران می‌توانند نسبت پرداخت وجه نقد را با مقایسه نسبت پوشش سود سهام نقدی و جریان نقدی هر سهم تعیین کنند. بدین ترتیب تمامی وجه نقد تخصیص دادنی به هر سهم با وجه نقد توزیع شده به عنوان سود سهام مقایسه پذیر خواهد بود.

بقیه در صفحه ۱۰۸

نسبتهایی مانند جریانهای نقدی هر سهم نباید به عنوان معیار توزیع بالقوه وجه نقد شناخته شود. بلکه

سست‌هاک و ذخیره هزینه‌های مربوط به بازنشستگی است، در برابر هم قرار می‌دهد.

مقایسه دیدگاه مدیریت مالی و حسابداری در زمینه

«استهلاک»

با برداشتی از:

کتاب «مدیریت مالی» تألیف دکتر حسین عبده تبریزی

● مجید میراسکندری

اشاره:

چندی پیش کتاب با ارزش «مدیریت مالی» تألیف آقای دکتر حسین عبده تبریزی را همراه با نامه ای که مؤلف محترم در آن خواستار نظریات انتقادی در مورد کتاب شده بودند، دریافت کردم.

بینشی این گونه مبتنی بر سعه صدر و روحیه ای چنین انتقادپذیر نسبت به کار خود، در این روزگار آنقدر نامنتظر است که نگارنده را، بویژه از این رو که سزاوار و درخور چنین داوری دانسته اند، به تحسین و سپاس نسبت به مؤلف محترم وامی دارد.

مقاله ای که در پیش رو دارید به بهانه انتشار کتاب فوق و برای بررسی بیشتر موضوع استهلاک از دید حسابداران از یک طرف و متخصصان مالی از طرف دیگر نگاشته شده است. امیدوارم کوشش حاضر در نزدیکتر کردن دیدگاه گروه دوم به گروه اول مؤثر باشد.



به نتایج جالب توجه و گاه شگفت آور و بحث انگیز می انجامد. این گونه بازنگری، در عین آنکه به سلامت فکر و منطق کمک می کند، موجب جا

«بازنگری بنیادی و انتقادی آنچه جزو «بدیهیات» تلقی می شود، یا تلاش در حل مسائلی که «حل شده» به نظر می رسد، در بسیاری موارد



مدیریت مالی و حسابداری

گرفتن و قوام مفاهیمی می شود که موضوع بازننگری است^۱.

ضمن مطالعه کتاب مدیریت مالی تألیف آقای دکتر عبده به مطالبی درخصوص استهلاک برخوردیم که به علت تکرار و تأکید در سراسر کتاب و مغایر بودن آن با مفهوم استهلاک در حسابداری، لازم دیدم دست به شکافتن آن بزنم، حتی اگر «بازنگری انتقادی آنچه جزو بدیهیات تلقی می شود» و «یا تلاش در حل مسائلی که حل شده به نظر می رسد»، باشد.

«استهلاک» از دید حسابداران^۲

۱- هزینه استهلاک عبارت است از آنچه در طول یک سال، خواه به دلیل استفاده و خواه به علت گذشت زمان یا پیشرفت تکنولوژی از قیمت دارایی ثابت، کاسته می شود؛ و ایجاد حسابی به نام «ذخیره استهلاک» برای آن است که ضمن نشان دادن کاهش سالانه در ارزش دارایی، همواره قیمت تمام شده آن را نیز مشخص کنند.

۲- حسابداران «ذخیره استهلاک» را در طرف بدهکار ترازنامه عملاً از قیمت تمام شده دارایی کسر می کنند یا دارایی ثابت را پس از کسر استهلاک به صورت خالص نشان می دهند، درست مانند «ذخیره مطالبات مشکوک الوصول» که آن را نیز در طرف بدهکار ترازنامه از مانده حساب «بدهکاران» کسر می کنند.

۳- با ثبت هزینه استهلاک در حساب سود و زیان سالانه و بستن کار کردن حساب ذخیره استهلاک، عملاً وجهی برای جایگزینی داراییهای مستهلک شده تأمین نمی شود. اگر شرکتی بخواهد وجهی را به این منظور فراهم کند، باید هر ساله

ورق بزنید

۱- پ. ا. جواهری، حسابدار شماره ۱۸ - فروردین ۱۳۶۵ صفحه ۳۷.

۲- ذکر این دیدگاهها برای مقایسه با دیدگاههای «مدیریت مالی» است و البته ممکنست برای حسابداران، خسته کننده باشد، و دراین صورت از قبل پوزش می طلسم.



مدیریت مالی و حسابداری

نشده، وجوه حاصل از ذخیره‌های استهلاک و غیره...»^۵.

«یکی از مهمترین، اگر نخواهیم بگویم مطلقاً مهمترین، منابع وجوه که شرکتها در صورتهای منابع و مصارف خود نشان می‌دهند ذخیره استهلاک است. آیا این وجوه رایگان در اختیار شرکت است یا هزینه دارد؟ در محاسبه هزینه سرمایه شرکت باید بدان توجه کرد یا آن را نادیده انگاشت؟»^۶.

۶- استهلاک حالتی شبیه اندوخته دارد. «اگر شرکت ترجیح دهد، وجوه حاصل از استهلاک را می‌توان بین سهامداران و طلبکاران شرکت توزیع کرد، یعنی بین کسانی که داراییهای شرکت را تأمین مالی کرده‌اند. برای مثال، اگر ده میلیون تومان از محل ذخیره استهلاک در اختیار شرکت باشد، شرکت بین توزیع این مبلغ و سرمایه‌گذاری مجدد آن مختار است.....»

۵- صفحه ۱۱۶ بند آخر.

۶- صفحه ۱۱۹: ج- هزینه وجوه حاصل از استهلاک Depreciation - generated funds

این عبارت انگلیسی نشان می‌دهد که نویسندگان مدیریت مالی در فرنگ نیز چنین دیدگاهی دارند.

مبلغی معادل یا بیشتر از هزینه استهلاک دارایی ثابت را عملاً از «سرمایه در گردش» خود خارج کند و به مصرف خرید سهام، اوراق بهادار یا حتی ایجاد سپرده بانکی برساند تا اصل و فرع این سرمایه‌گذاری در پایان مدت عمر مفید دارایی، جهت خرید و جایگزینی دارایی جدید کافی باشد. در این حالت عین مبلغ را در حساب تقسیم سود، بدهکار و در حساب «اندوخته وجوه استهلاکی» بستانکار می‌کنند.^۷ البته این اندوخته، اگر به وجود آید، در قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه جای خواهد گرفت.

۴- اضافه کردن هزینه استهلاک به سود شرکت در هنگام تهیه «صورت تغییرات در وضعیت مالی» برای به دست آوردن منابع شرکت، صرفاً به دلیل غیرتقدی بودن آن است، درست همان‌طور که سایر هزینه‌های غیرتقدی را نیز به سود شرکت برمی‌گردانند. البته نگارنده اعتقادی به معنادار بودن رقمی که از جمع سود و هزینه‌های غیرتقدی حاصل شود و نیز به مفید بودن کل صورت یاد شده، ندارد.

«استهلاک» از دیدگاه مدیریت مالی

۵- استهلاک از منابع وجوه است. «منابع وجوه داخلی عبارتند از سود تقسیم نشده و مازاد، اندوخته‌ها، استهلاک و امانات آنها و منابع وجوه خارجی عبارتند از وامهای بلندمدت بانکی، وامهای رهنی، انتشار اوراق قرضه، انتشار سهام عادی و ممتاز و مشابه آنها»^۸.

«محاسبه هزینه بعضی اجزای بافت سرمایه بس دشوار است: مثلاً محاسبه هزینه سود تقسیم

۳- اتفاقاً این رویه مورد مخالفت شدید مدیران مالی است زیرا این عمل به معنای آن است که سرمایه‌گذاری وجوه در خارج از شرکت، سودآورتر از نگهداری و استفاده از آن در داخل شرکت است و این خود بهترین دلیل برای صاحبان سهام در مورد تعویض هیئت‌مدیره است!

۴- صفحه ۷۰ بند سوم، سطر هفتم.

اما اگر نرخ بازده داخلی سرمایه از هزینه سرمایه بیشتر باشد، وجوه می‌باید در داخل شرکت نگهداری شود...»^۷.

۷- ذخیره و اندوخته از یک جنس تلقی می‌شوند. «در مورد هزینه وجوه حاصل از استهلاک باید توجه داشت که آنچه شرکت‌های ایرانی به عنوان ذخیره استهلاک در سالهای اخیر کنار گذاشته‌اند بسیار جزئی بوده و با توجه به قیمت‌های جایگزین بالا تر به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای سرمایه‌ای شرکتها نیست. ماشین‌آلات جدید با ارزهای صادراتی، ترجیحی، رقابتی و آزاد، باید تهیه شود، در حالی که ذخیره استهلاک براساس قیمت دفتری تاریخی داراییها، جایی که داراییها عمدتاً با ارز دولتی خریداری شده، محاسبه و کنار گذاشته می‌شود. می‌بینیم که در این شرایط، میزان این نوع وجوه دریافت سرمایه شرکت دیگر اهمیت زیادی ندارد. در عوض سرفصلهایی چون: ذخیره مزایای بازخرید کارکنان، ذخیره مالیات و انواع اندوخته‌ها، در ترازنامه‌های شرکت‌های ایرانی به چشم می‌خورند که ضرایب آنها را دریافت سرمایه می‌باید وارد کرد و در محاسبه نهایی هزینه سرمایه، هزینه آن اجزا را منظور کرد»^۸.

«غیر از اینها، دریافت سرمایه شرکتها می‌تواند وجوه حاصل از ذخیره استهلاک و دیگر ذخیره‌ها و نیز انواع اندوخته‌ها را یافت»^۹.

جمع‌بندی در مورد استهلاک

۸- دیدگاه مدیریت مالی از «استهلاک» دیدگاهی، دقیق، تکنیکی، منسجم و منطقی نیست. نگارنده به عنوان حسابدار معتقد است که این دیدگاه از جنبه کاربردی قابل اتکا نیست و با واقعیت انطباق ندارد. و تجدیدنظر در آن، دست کم با توجه به شرایط ویژه ایران ضروری است.

۷- صفحه ۱۱۹: همانجا، دنباله.

۸- صفحه ۱۲۳، سطر آخر به بعد.

۹- صفحه ۱۲۵، سطر ۵.

سایر موارد:

بجز آنچه درباره یکی از مفاهیم به کار رفته در کتاب مدیریت مالی گفته شد، اشاره به برخی مطالب و یافته های دیگر در کتاب نیز خالی از فایده نیست.

واژه های جدید

۹- کاربرد برخی معادلهای جدید برای واژه ها و اصطلاحات انگلیسی را می توان «درخشان» نامید، مثل «ثمر» به جای «Yield»، «توازی» به جای «Trade-off» و «شنسار» بسجای «Floatation». برخی ترکیبهای تازه خیلی بهتر از گذشته است، مثل «هزینه گذشت^۱» به جای «هزینه فداکاری»، هزینه فرصت از دست رفته» و نیز «روندیابی» به جای «تجزیه و تحلیل روند».

شکالات کتاب

۱۰- کتاب واژه نامه فارسی و انگلیسی دارد ولی کامل نیست. دست کم می بایست توضیحات مربوط به اصطلاحات کتاب، در پانوش صفحات مربوط و در واژه نامه آخر کتاب می آمد، مثل ترکیبهای «اسناد خزان» و «اوراق خزان» که به ترتیب در صفحات ۹۱ و ۸۲ به کار رفته، ولی نه در جای خود و نه در واژه نامه پایان کتاب برای آنها

۱۱- در مورد هزینه گذشت **Opportunity Cost** در صفحه ۷۹ چنین می خوانیم: «اگر مدیریت تصمیم بگیرد سود را تقسیم نکند، در این صورت صاحب سهم فرصتی را از دست داده و از این فرصت گذشته است؛ اومی توانسته سود سهم را گرفته و به کاری دیگر بزند؛ سهام بخرد، اوراق قرضه بخرد، ملک بخرد و یا در دارایی بلندمدت دیگری سرمایه گذاری کند. پس، شرکت باید از سود تقسیم نشده حداقل همان قدر عایدی نصیب سهامدار بکند که اگر سهامدار خود پول را در سرمایه گذاری ای با خطر مشابه گذاشته بود، عایدی می برد.»



به جای «مانده» به صورت «موازنه» ترجمه شده است.

- در صفحات ۲۰۷ و ۲۱۳ **stock** (که در معنی سهم یا سهام جمع بسته نمی شود) به صورت جمع (**stocks**) ضبط شده است که معنی غیرمرتبطی دارد.

- در صفحه ۱۵۶ - سطر اول از بند ۲- در عبارت «شرکت صنعت آفرینان از محدود شرکتهای تولیدی بزرگ.....» به احتمال زیاد، اشتباه چاپی «محدود» را به «محدود» بدل کرده است.

- در صفحه ۱۱۴ - در عبارت «مثال شرکت توانساز را اندکی تعمیم می دهیم». بهتر بود به جای «تعمیم»، واژه «گسترش» به کار می رفت.

دنباله صورت جریانهای نقدی

مالی) مزایای حاصل از به کارگیری صورت جریانهای نقدی افزایش باید. اگرچه این تحقیق نشان داده است که مفید بودن صورت جریانهای نقدی افزایش زیادی داشته و از این بابت جای نگرانی نیست. اما معتقدیم که می توان آنرا بازم بهبود بخشید. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد از شرکتهای برای مقاصد گزارشگری از شکل مستقیم استفاده می کنند. مدیرانی که به گزارش کردن اطلاعات واضح و قابل فهم علاقه مندند برای تجربه کردن روشهای جایگزین حسابداری (شامل روش غیرمستقیم) انگیزه دارند. نتایج این تحقیق برای صاحب نظران حسابداری بسی خوشایند است.

عضو گرامی

سرکار خانم شهرزاد آیرملو
مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت
می گوئیم.
انجمن حسابداران خبره ایران

شرح یا معادلی ارائه نشده است.
۱۱- آوردن مثالهایی در مورد وضع چندسئله اخیر ایران در متن (مثلاً صفحه ۷۵ یا ۸۴) کتاب را به سطح تشریفات فاقد اعتبار کافی نزدیک می کند؛ در این گونه موارد و در صورت لزوم بهتر آن است که از پانوش استفاده شود مانند صفحات ۹۰ و ۹۲.

۱۲- اشتباهات چاپی و غیرچاپی به نسبت حجم کتاب، زیاد است (حداقل ۱۸ مورد) و این از نفاست آن می کاهد. مایلیم دریابان، به خواست مؤلف محترم، برخی اشتباهات اصولی کتاب را یادآور شوم، چرا که مؤلف خود از سختگیرترین مترجمان است و در استفاده از واژه های معادل، وسواس بسیار دارد:

- در صفحه ۲۰۸ - واژه **balance** در عبارت **double declining balance method**